



صبح امید / شماره چهارم / سال دوم / دانشگاه فرهنگیان یزد / بهار ۱۳۹۶  
شماره مجوز: ۵۳۳۰۰ / ۶۸۳ / ۱۰۰ د  
قیمت: ۳۰۰۰ تومان



❏ "آسیاب به نوبت آقای هاشمی..." شهید بهشتی گفته بود که نوبت به او هم می‌رسد، او هم مرد بود مثل بهشتی، مرد بودن اینجا تاوان سختی دارد حتی اگر ایران در مانده‌ی بعد از جنگ را با تمام مشکلات اقتصادی و سیاسی ساخته باشی.

#### #اخلاق\_اصلاح

بهار نقطه‌ی اعتدال طبیعت و تجلی زیبایی چهره‌ی هستی است. ما امیدوارانه بهاری را چشم به راهیم که به حق و حرمت انسان‌ها احترام گذاشته شود و روح قوانین الهی به راستی در جامعه جریان داشته باشد.



#### ❏ مصاحبه با خانم قربان رضایی

به عنوان والاترین پزشکان روح و روان فرزندان این جامعه و مدیران و رهبران آن‌ها، قدر خود را بشناسیم و فرصت‌ها را مغتنم شماریم.



#### ❏ تنبیه یا تشویق؟ مسأله این است!

اصولاً تصور این امر که عمل انسان مورد قبول دیگران است، به آدمی قدرت می‌بخشد و از آن لذت می‌برد. چه بسیار اطفالی که می‌خواهند از ناسازگاری‌ها دست بردارند ولی جرأتی برای این کار در آن‌ها نیست.



# ما نکوئیم و میل با حق نکنیم جامه کس سیه و دلخ خودار رو نکنیم

عیب درویش و توانگر به کم و بیش بد است  
کار بد مصلحت آن است که مطلق نکنیم  
رقم مغلطه بر دفتر دانش نزنیم  
سر حق بر ورق شعبده ملحق نکنیم  
شاه اگر جرعه رندان نه به حرمت نوشد  
التفاتش به می صاف مروق نکنیم  
خوش برانیم جهان در نظر راهروان  
فکر اسب سیه و زین مغرق نکنیم  
آسمان کشتی ارباب هنر می شکند  
تکیه آن به که بر این بحر معلق نکنیم  
گر بدی گفت حسودی و رفیقی رنجید  
گو تو خوش باش که ما گوش به احمق نکنیم  
حافظ از خصم خطا گفت نگیریم بر او  
و ر به حق گفت جدل با سخن حق نکنیم

حافظ



# بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



## نشریه دانتاجویه، سیاست، انتقاد، فرهنگ

- پردیس شهیدان پاک‌نژاد
- پردیس فاطمه الزهراء

صاحب امتیاز: انجمن اسلامی دانشجویان معلمان دانشگاه فرهنگیان یزد  
مدیر مسئول: میلاد شریفی  
شورای دبیران: سیدعلیرضا طباطبایی، وحیدرضا کاشی‌زاده، احسان منگلی‌کهن‌تویی  
صفحه آرایشی و طراحی جلد: مصطفی عادل  
ویراستار: افسانه کارگر  
مدیر اجرایی: عماد صفی  
هیئت تحریریه: فاطمه آقا عسکری، مرضیه برزگری، فاطمه السادات سالاری، میلاد شریفی، مهدی شیخ‌زاده، فرزانه صانعی، سید علیرضا طباطبایی، افسانه کارگر، وحید کاشی‌زاده، محمد صادق ملانوری، زهرا مزرعه ملایی، احسان منگلی‌کهن‌تویی



### فهرست مطالب

- سخن مدیرمسئول ..... ۴
- پیام دبیران ..... ۴
- سیاست مهدوی ..... ۵
- سبا سوخته در سکوت ..... ۶
- برگی از تاریخ یزد ..... ۷
- کمی در خود بنگر ..... ۸
- قاموس هنر ..... ۱۰
- تنبیه یا تشویق؟ مساله این است ..... ۱۱
- #اخلاق\_اصلاح ..... ۱۲
- نخبگان اثر گذار یا منفعلان اثر پذیر ..... ۱۳
- امیر اصلاحات ..... ۱۴
- هوش زیبا ..... ۱۶
- ای بس آلوده که پاکیزه ردایی دارد ..... ۱۷
- مصاحبه ..... ۱۸
- معرفی کتاب ..... ۲۰
- خیال خاکستری ..... ۲۱
- شعر ..... ۲۱
- طنز ..... ۲۲
- کاریکاتور ..... ۲۲

### • باتشکر از:

دکتر فضل‌الله رضایی، عباس سلمانی، محمدحسن لاله‌زاری، هادی نوری، زهرا فاتحی، مژگان شیخها

- همچنین بر خود واجب می‌دانیم از مسئولین محترم هر دو پردیس شهیدان پاک‌نژاد و فاطمه الزهراء (س) که در این مسیر ما را یاری نموده‌اند و در این مختصر، مجال آوردن نام همه‌ی آن عزیزان نیست، کمال تشکر و قدردانی را داشته باشیم.

### پل‌های ارتباطی:

رایانامه: [sobhomid95@gmail.com](mailto:sobhomid95@gmail.com)  
اینستاگرام: [@sobhomid\\_cfu](https://www.instagram.com/sobhomid_cfu)  
نسخه الکترونیک: [www.sobhomidcfu.rzb.ir](http://www.sobhomidcfu.rzb.ir)  
کانال اطلاع رسانی تلگرام: [@sobhomidcfu](https://www.t.me/sobhomidcfu)



## سخن مدیر مسئول

با سپاس و ثنای بی‌حد بر آستان صفات بی‌همتای احدیت و با استعانت از درگاه بی‌کرانش، با یاری و تلاش جمعی از دانشجویان، نشریه‌ی صبح امید در راستای انتشار چهارمین شماره، یک ساله شد.

آن‌چه که باعث شد علی‌رغم همه‌ی چالش‌های پیش رو انتشار نشریه در اولویت قرار گیرد و فرصتی ناب تعبیر شود، این بود که اصحاب فکر و قلم و دانشجویان، محلی برای بیان نظرات و اندیشه‌های خود داشته باشند و مهم‌تر این که حضور پر رنگ دانشجویان فرهنگی و فرهیخته در عرصه‌های علمی و پژوهشی، محسوس باشد.

بسیار مفتخر و شادمانیم که در این راه علاوه بر دوستان قدیمی که افتخار همراهیشان را از ابتدا داشته‌ایم، با جمعی تازه نفس که حامی ما در مسیر اعتدال هستند و با حضورشان دلگرمی دو چندان به ما می‌دهند، همراهیم.

اینک به عنوان عضو کوچک این مجموعه از تک تک کسانی که ما را در این راه همراهی و حمایت کردند از جمله دانشجویان، اساتید محترم و مسئولین بزرگوار کمال تشکر و قدردانی را دارم، از خداوند منان می‌خواهم که شما خوبان را در سایه‌ی الطاف خاص خویش قرار دهد. امیدوارم ناملایمات روزگار شما را از آن چه هدف قرار داده اید دلسرد نکند و هر روز قوی‌تر و استوارتر از دیروز به سوی مقصد منظور قدم بردارید، در پایان نیز این بیت از حضرت حافظ را به شما طلایه داران امید در دانشگاه فرهنگیان تقدیم می‌کنم:

عشق بازی را تحمل باید ای دل، پای دار      گر ملالی بود، بود و گر خطایی رفت، رفت

## پیام دبیران

این صدای چهارمین نغمه از آواز صبح امید است که با افتخار و احترام خاص به یکایک شما مخاطبان شریف این نشریه عرضه می‌شود. سر به سجده‌ی خداوند می‌گذاریم که بر ما منت نهاد تا توفیق خدمت و اطلاع رسانی را به شما بزرگواران در قالب نشریه‌ی صبح امید داشته باشیم. همراهان عزیز؛ این تنها صدای اصلاحات و اعتدال در مجموعه‌ی دانشگاه‌های فرهنگیان یزد؛ با تمام توان، عنایت از حضرت باری تعالی و امید به نگاه حضرت عصر (عج) سعی بر آن داشته است تا از گذشته تجربه بیاندوزد و با نگاه سخت‌گیرانه‌تر و دقیق‌تری قلم فرسایی کند. در این مجموعه تا آنجا که قلم‌مان می‌نوشت و سوادمان می‌رفت تلاش کردیم تا بازتاب صداها و نگاه‌های شما باشیم؛ زیرا که وظیفه‌ی خطیر و مهم خودمان را در این مسیر، سخن گفتن در قالب نقد و اصلاح امور می‌دانیم و تا آنجا که جان یاریمان کند از فعالیت در این عرصه‌ی جسورانه باز نمی‌ایستیم. این باور قلبی و اعتقاد درونی ما است که شما دانشجومعلم‌ان استان یزد لایق بهترین‌ها هستید، امیدواریم که آن‌چه در این مجموعه گرد آمده است مورد رضایت شما مهربانان باشد و دگر باره در فضای سرد فرهنگی، عطر گرم صبح امید، نفس هایتان را پر کند.

۴۸



«امیر کبیر خاطر  
استعمار را با دیده  
تیزبین و هوش سرشار  
خود درک کرد و دانه‌ها  
و دام‌های مرموز آن را  
درست تشخیص داد. با  
این احساس و ادراک  
پیش‌قراول مبارزه شد.  
(امیر کبیر یا قهرمان  
مبارزه با استعمار، آیت الله  
هاشمی رفسنجانی)



# سیاست مهدوی

سیاست مهدوی، سیاستی است که به سوی تأمین سعادت و کرامت انسانی در پرتو عبودیت خداوند  
جهت‌گیری شده است.



تعاریف سیاست به‌عنوان یک رفتار، بسیار زیاد است و شاید بتوان گفت به تعداد کسانی که آن را تعریف کرده‌اند، تعاریف مختلفی از سیاست داریم؛ اما از منظر کلان این تعاریف را می‌توانیم در دو رویکرد تعاریف کلاسیک و تعاریف مدرن قرار دهیم. در نگرش‌ها و تعاریف کلاسیک سیاست که از دوران باستان تا عصر رنسانس غربی را دربرمی‌گیرد، نگرش به سیاست مبتنی بر تنظیم زندگی جمعی برای نیل به فضیلت اخلاقی و سعادت می‌باشد. در قدیمی‌ترین تعاریف، ارسطو نخستین وظیفه و مرد سیاسی را تأمل در فضیلت و اخلاق می‌داند. در سنت اسلامی نیز اخلاق فضیلت محور است که تعاریف مختلف اندیشمندان اسلامی بر این امر گواه است.

ابونصر فارابی، فیلسوف برجسته مسلمان و بنیان‌گذار فلسفه سیاسی اسلامی، در آثار خود غایت و هدف رابطه سیاسی یا فرمان دهی و فرمان بری را آن می‌داند که در پرتو آن بتوان به سعادت حقیقی رسید. چنین سیاستی سیاست مدینه فاضله خواهد بود؛ اما اگر غایت سیاست سعادت حقیقی نباشد، چنین جامعه‌ای جاهله خواهد بود.

برخلاف رویکرد فضیلت‌گرایانه به سیاست در نگرش‌های کلاسیک با ورود به عصر مدرن غرب، سیاست رویکرد فضیلت‌محورانه خویش را از دست می‌دهد و آموزه‌های اومانیسم و سکولاریسم غربی سبب می‌شوند سیاست صرفاً به تنظیم امور دنیوی مردم یا همان رابطه قدرت متمرکز شود و در زندگی اجتماعی، سعادت را امری فردی و حاشیه‌ای قرار دهد. اوج این نگرش به سیاست را می‌توان در تعریف هاروارد لاسول<sup>۱</sup> یافت. از نظر وی «سیاست علمی است که به

ما می‌آموزد چه کسی می‌برد؟ چه می‌برد؟ کجا می‌برد؟ و چرا می‌برد؟». برتراند راسل<sup>۲</sup> نیز سیاست را همان قدرت دانسته و آن را به‌عنوان «پدید آوردن آثار مطلوب» تعریف می‌کند. سیاست مهدوی را که بر پایه مهدویت (گونه‌ای از موعودباوری و باور به ظهور امام دوازدهم شیعه، حجت‌بن‌الحسن به‌عنوان منجی آخرالزمان) استوار است باید جزو رویکردهای کلاسیک به سیاست قرار دهیم. سیاست مهدوی بر مبنای سنت سیاسی اسلام، سعادت را غایت خویش قرار می‌دهد. شاید بتوان در متون مهدویت، برجسته‌ترین تعبیر را از سیاست مهدوی در دعای افتتاح یافت. در این دعا سیمای دولت کریمه‌ی مهدوی به زیبایی ترسیم شده است:

«اللَّهُمَّ إِنَّا نَرْغِبُ إِلَيْكَ فِي دَوْلَةٍ كَرِيمَةٍ تُعْزِبُ بِهَا الْإِسْلَامَ وَأَهْلَهُ وَتُدِلُّ بِهَا التَّفَاقُ وَأَهْلَهُ وَتَجْعَلُنَا فِيهَا مِنَ الدَّاعِي إِلَى طَاعَتِكَ وَالْقَادِي فِي سَبِيلِكَ وَتَرْزُقُنَا بِهَا كَرَامَةَ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ. خدایا! ما به سوی تو رغبت داریم در دولت کریمه‌ای که اسلام و مسلمانان عزت یافته و نفاق و منافقان دچار ذلت می‌شوند؛ که ما را در آن دولت از دعوت کنندگان به طاعت خویش و راهنمایان به راه خویش قرار دهی و بدین وسیله کرامت دنیا و آخرت را به ما عطا کنی.»

نمی‌توان سیمای سیاست مهدوی را از این زیباتر توصیف کرد؛ بنابراین سیاست مهدوی سیاستی است که به سمت سعادت و کرامت انسانی جهت‌گیری نموده است. چنین کرامت و سعادت با مقام عبودیت و اطاعت از ذات اقدس الهی و هدایت مردم به راه خداوند حاصل می‌شود. پس سیاست مهدوی را چنین می‌توان تعریف کرد: «سیاست

مهدوی، سیاستی است که به سوی تأمین سعادت و کرامت انسانی در پرتو عبودیت خداوند جهت‌گیری شده است.

از این حیث ما می‌توانیم وضعیت فعلی خود را سنجه زده و میزان تناسب و سازگاری آن را با وضعیت آرمانی مشخص سازیم. می‌توانیم معین سازیم که ما از وضعیت آرمانی تا چه میزان فاصله داریم و در نهایت برای کم کردن فاصله و اختلاف وضعیت امروز خود با وضعیت آرمانی بکوشیم. چنانچه دکتر علی شریعتی در نظریه انتظار مذهب اعتراض، انتظار را به معنی اعتراض به وضع موجود می‌داند و معتقد است، اگر کسی منتظر است، به این معناست که از وضع موجود راضی نیست و در جهت بهتر شدن آن تلاش می‌کند؛ بنابراین، انتظار و مهدویت، از یک سو انگیزه‌ای برای حرکت به سمت کمال است و از سوی دیگر نوعی امید به آینده که ایجاد وضعیت کمال مطلق هنگام ظهور منجی را در ذهن فرد منتظر القا می‌کند.

بر این اساس سیاست مهدوی که دربرگیرنده سیاست مدینه فاضله است، می‌تواند در بطن سیاست جامعه قرار گرفته و اجرایی گردد؛ فارغ از آن که آموزه‌های مهدوی بازچه اهداف سیاسی قرار گرفته و سبب تخریب و تحریف دین شود.

## منابع:

- ویلیم تی بلوم، نظریه‌های نظام سیاسی، ترجمه احمد تدین، تهران: نشر آران، ۱۳۷۳، ج ۱، فصل اول.  
ارسطو، اخلاق نیکو ماخوس، ترجمه محمدحسن لطفی، تهران: نشر طرح نو، ۱۳۷۸، ص ۴۶.  
ابونصر فارابی، احصاء العلوم، ترجمه حسین خدیو جم، تهران: نشر بنیاد فرهنگ ایران، ۱۳۴۸، ص ۱۰۸-۱۰۷.  
جلال‌الدین مدنی، مبانی و کلیات علوم سیاسی، تهران: نشر اسلامیه، ۱۳۷۲، ج ۱، ص ۸.  
برتراند راسل، قدرت، ترجمه نجف دریابندری، تهران: نشر خوارزمی، ۱۳۶۱، ص ۲۱۷.  
بهرز لک، غلامرضا. مهدویت و زندگی سیاسی معاصر اسلامی، دومانه‌امان شماره ۵.  
شریعتی، علی، حسین وارث آدم (مجموعه آثار شماره ۱۹)، تهران: انتشارات قلم، صفحات ۲۵۳ تا ۳۰۴.

## موضوع پژوهش

۵

«امیرکبیر بحق درک کرد که فقر و فساد کشور، برای رشد و نمو استعمار، بهترین زمینه‌ی مساعد است و لذا با تمام قدرت برای ریشه کن کردن فقر و فساد کوشش کرد. (امیرکبیر یا قهرمان مبارزه با استعمار، آیت الله هاشمی رفسنجانی)

# سپا سوخته در سکوت

را می‌بوسد و برادرانش را به جبهه می‌سپارد عاجز است، از توصیف خنده‌های سرخوشانه آن شیرخوار که توانست بعد از ساعت‌ها مکیدن پستان خشک مادرش به خون آبه برسد عاجز است.

این اعراب تربیت شده در غرب، قلاده پاره کرده‌اند و با ذره بین دنبال ایران در یمن می‌گردد. این الشجره الملعونه به نام آزادی به نام دموکراسی به نام دفاع از حق رای ملت، خون می‌ریزد.

به شیوخ عرب توصیه می‌کنم قدری تاریخ بخوانند بد نیست در سال ۱۹۲۴ عبدالعزیز عربستانی بنیان‌گذار این درخت وارد جنگی ۱۰ ساله با یمن شد، صلح کرد و با ذلت به مرزهایش بازگشت. در خلال سال‌های ۱۹۶۲-۱۹۹۷ یازده سال با همین ملت جنگید و نتیجه تبدیل شد به خفت‌بارترین اتفاق ممکن (ویتنام مصر)

این نکته قابل تأمل است که مرگ را می‌توان آورد، ویرانی را می‌توان آورد، کشتار را می‌توان آورد ولی آزادی و عزت یک ملت را نمی‌توان گرفت. این حوثی‌های بیابانگرد از نسل همان پدرهای فاتح هستند و ان‌شالله باتلاقی را برای این حیوانات دارای سلاح گرم خواهند بود.

کشور منطقه‌ای و غیر منطقه‌ای از این ائتلاف شروع شد. حوالی ۲۱ ماه از این حمله وحشیانه می‌گذرد و احمدبن حسن محمد عسیری مشاور وزیر دفاع عربستان که سخنگوی این ائتلاف پیل پیکر و دیوافکن است به خوبی می‌تواند به فرانسه و انگلیسی شرح دهد که چگونه توانستند حوثی‌های قات خور را در زیر خیمه‌هاشان در بیابان‌های سوزان یمن تار و مار کنند، به خوبی می‌تواند شرح دهد که بمب‌های خوشه‌ای‌شان چگونه دخترکان یمنی را در کودکان‌هایشان ذغال می‌کنند، به خوبی می‌تواند شرح دهد که چگونه پدران یمنی را چون گوسفندان عید قربان ذبح می‌کنند، به خوبی می‌تواند شرح دهد که چگونه همت گماشته‌اند تا این فقیرترین کشور منطقه را شخم بزنند ولی از توضیح دادن غریدن‌های موشک‌های بالستیک یمنی در پادگانی حوالی ریاض عاجز است، از توضیح دادن شکار شدن دو جین از سربازان مزدورشان توسط یمنی‌ها عاجز است، از توضیح نحوه ساقط شدن ناو چند میلیون دلاری شان عاجز است، از توضیح حال آن کودک یمنی که سلاح پدر شهیدش را دست گرفته است و هیات منا الذله می‌خواند عاجز است، از توضیح حال آن دخترکی که سوخته‌های مادرش

گوش کنید! می‌شنوید، صدای تکه پاره شدن کودکان یمنی را می‌گوییم. صدای هیهات منا الذله از صنعا را می‌گوییم. صدای جیغ مادرانشان که گوش آسمان را پاره کرده است... باور کنید این صدا حرفی برای گفتن دارد. خوب گوش کنید؛ صدایشان را می‌شنوید. این صدا برای ما تازگی ندارد. این صدای "آزادگی" است، این صدا را بهمن ۵۷ شنیدیم. این صدا را در حلبچه و خرمشهر و بستان شنیدیم. امروز این صدا از یمن است. این صدا آنقدر تشنه است که با اشک سیراب نمی‌شود؛ خون می‌خواهد. زمانی که عربستان با بیش از ۱۰۰ هواپیمای جنگی و ۱۵۰ هزار سرباز پیاده به همراه واحدهای دریایی خود به همراهی ۸ کشور امارات، کویت، بحرین، قطر، اردن، مراکش، مصر، و سودان در قالب ائتلافی عربی که توسط ۷۰ هواپیمای جنگی این ائتلاف جنگی را به نام طوفان قاطعیت علیه فقیرترین کشور منطقه شروع کردند فکر آن را هم نمی‌کردند که این چنین ماشین نظامی تابن دندان مسلح از غرب در برابر حوثی‌های بیابانگرد با سلاح‌های زنگ زده شان این چنین زمین‌گیر شوند. جنگ یمن از ۲۶ مارس ۲۰۱۵ توسط گول نفت فروش منطقه به همراه ۸ کشور دیگر و حمایت ۱۹

سید علیرضا طباطبایی

۶



«امیر معتقد بود که یک کشور مستقل باید همه چیز را در داخل خاک خویش تهیه کند. و از فروختن مواد خام به قیمت ارزان و خریدن مصنوعات گران‌قیمت نتیجه‌ای جز ورشکستگی و هدر دادن ذخایر کشور عاید نخواهد شد. (امیرکبیر یا قهرمان مبارزه با استعمار، آیت الله هاشمی رفسنجانی)







۷- مدرسه رکنیه (این مدرسه کتابخانه و رصدخانه هم داشته است)

۸- مدرسه حسینیان

۹- مدرسه شهاب الدین قاسم طراز

۱۰- مدرسه شمسیه

۱۱- مدرسه ابوالمعالی

۱۲- مدرسه خائزاده.

در اواخر دوران قاجار مدارس زیاد دیگری ساخته شد که در زمان پهلوی مورد استفاده مدارس علمیه بود از جمله "مدرسه شاهزاده محمد ولی میرزا" است که تا دوره پهلوی اول استفاده می شد. اما از زمان پهلوی اول به بیمارستان و نوانخانه تبدیل شده است. مدارس علمیه ای که از دوره پهلوی اول تا کنون فعالیت می کنند عبارتند از: مدرسه شفیعیه و مدرسه خان بزرگ و کوچک، عبدالرحیم خان و مدرسه فاضل اردکائی، مدرسه علمیه عقدا و علمیه میبد و غیره.

از زمان ورود اسلام به ایران و ضرورت آشنایی مردم با بنیادهای دین جدید، وجود مدارس احساس شد تا علم را با ایمان پیوند داده و مروج شریعت و احکام اسلام باشند. نخستین منبعی که وجود مدارس علمیه را در گذشته یزد بیان می کند «جامع الخیرات» است که در سال ۷۶۳ هـ ق نوشته شده است و به یزد، لقب دارالعباده داده است. از جمله مدرسی که در دوره پهلوی به عنوان حوزه درس مورد استفاده قرار می گرفت و بعضی از آن ها خیلی قبل هم همین کاربرد را داشتند می توان به مدارس زیر اشاره کرد.

۱- مدرسه دومنار که قدیمی ترین مدرسه یزد از سال ۵۲۳ هـ ق تا اواخر دوره پهلوی دوم حتی مورد استفاده بود

۲- مدرسه ضیائیه که در سال ۶۳ هـ ق ساخته شد و در دوره پهلوی هم فعالیت داشت

۳- مدرسه عتیق مهرجرد میبد یزد

۴- مدرسه بافق

۵- مدرسه خالقیه

۶- مدرسه کمالیه

دکتر سید منصور امامی  
مبیدی، استاد یار گروه معارف  
دانشگاه فرهنگیان پردیس  
شهبان پاکتار یزد

## سازمان پرورش افکار یزد



رادیو، موسیقی و سرودهای میهنی.

عمده ترین وظایف پرورش افکار، به شرح حال بزرگان، شرح آثار ملی ایران، آئین سخنوری، اوضاع ایران مقارن سوم اسفند ۱۲۹۹ هـ ش، پیشرفت ایران در عصر پهلوی، جمعیت و وحدت ملی، بهداشت و اخلاق بود.

در عین حال ملک الشعرای بهار عهد پرورش افکار را «خون بارترین ساعات عصر پهلوی می داند». یکی از کمیسیون ها، کمیسیون سخنرانی بود. این کمیسیون وظیفه داشت که موضوعات مورد توجه در اختیار سخنرانان قرار دهند. اگر چه سازمان از وسایل گوناگون برای اجرای اهداف خود استفاده می کرد. اما از این میان سخنرانی اهمیت بیشتری داشت. در یزد هم برای اجرای مقاصد مورد نظر، سازمان پرورش افکار و کمیسیون سخنرانی گوشه ای از مسجد امیر چخماق را در نظر گرفتند. این محل که مخروبه بود با مزینه اوقاف و شهرداری تبدیل به یک سالن مجهز و ملقب به «سالون وعظ و خطابه» شد. این محل به علت هم جوار با مسجد استقبال چندانی برای استفاده از سخنرانی ها نمی شد و لذا بعد از دو سال فعالیت کلیه سخنرانی ها و اجرای موسیقی و نمایش های مورد نظر سازمان مذکور به دبیرستان ایران شهر انتقال یافت.

یکی از اقدامات فرهنگی حکومت رضا شاه ایجاد سازمان جدیدی بود که عنوان سازمان پرورش افکار داشت. این سازمان در دی ماه ۱۳۱۷ هـ ش با نظارت احمد متین، وزیر دادگستری و اسماعیل مراث، وزیر فرهنگ (معارف) و چند تن دیگر تشکیل شد و دارای کمیسیونی بود که در زمینه های مختلف فرهنگی فعالیت می کرد.

حضور فرهنگیان در جلسات سازمان پرورش افکار اجباری بود. سعید نفیسی درباره وظایف این سازمان می نویسد: «وظیفه مهم دیگر این راهنمایان این است که افکار، آمال و آرزوهای افراد را چنان یکسان کنند که اتحاد و اتفاق کلمه واقعی در میان ایشان فراهم شود تا در میان افراد تحصیل کرده به هیچ وجه اندک اختلاف و دوگانگی از حیث افکار و آمال انسانی پیش نیاید».

در اساسنامه پرورش افکار، وظایف این سازمان و تقسیمات آن چنین آمده است:

۱- برای پرورش و راهنمایی افکار عمومی سازمان مخصوصی به نام سازمان پرورش افکار تأسیس می شود.

۲- سازمان پرورش افکار دارای یک هیئت مرکزی در پایتخت و شعب در شهرستان ها است.

۳- سازمان پرورش افکار برای انجام وظایف خود از وسایل زیر استفاده می کند: روزنامه ها، رساله ها، کتب کلاسیک، کتب عام المنفعه، سخنرانی عمومی، نمایش، سینما،



« خداوند در این وضع  
مخصوص او (امیرکبیر)  
را برای نجات ملت ایران  
آماده می کرد و برای  
او هدف عالی در افق  
بسیار وسیع که منافع  
همه ی ملت ایران را در  
برمی گرفت آماده می کرد.  
(امیرکبیر یا قهرمان  
مبارزه با استعمار، آیت الله  
هاشمی رفسنجانی)

# کمی در خود بنگر!



يَا بَنِي آدَمَ قَدْ أَنْزَلْنَا عَلَيْكُمْ لِبَاسًا يُورِي سَوَاتِكُمْ وَرِدْشَا وَلِبَاسَ التَّقْوَى ذَلِكُمْ خَيْرٌ ذَلِكُمْ مِنْ آيَاتِ اللَّهِ لَعَلَّهُمْ يَذْكُرُونَ

اعراف، آیه ۳۰



جوانان امروز به محض ورود به فضای باز دانشگاه، دیدگاهشان، اعتقادشان و رفتارشان تغییر می‌کند که البته این مساله تا اندازه‌ای درست است اما در خیلی از مواقع هیچ دلیلی برای این تغییرها وجود ندارد و تنها برای این که از دیگران عقب نمانند، هم‌رنگ جماعت می‌شوند؛ به همین دلیل، تعصب شدیدی نسبت به کارهایی که انجام می‌دهند دارند؛ مثلاً اگر فردی به آن‌ها بگوید: "طرز صحبت کردن تو، در شأن یک دانشجو نیست" ناراحت می‌شوند و نظر مخالف خود را به سختی تحمل می‌کنند و برخی مواقع عکس‌العمل ناشایستی نشان می‌دهند. جالب‌تر این است که تمام تصمیم‌هایشان را از روی اراده‌ی خود می‌دانند و معتقدند که کسی در آن‌ها دخالتی نداشته، در حالی که خود بهتر می‌دانند، دیگران برایشان برنامه ریزی می‌کنند و تصمیم می‌گیرند.

و اما دانشگاه فرهنگیان... رسالت دانشگاه فرهنگیان، پرورش معلمانی است که از هر جنبه بهترین باشند، هم از نظر علمی، هم از نظر فرهنگی، هم از نظر آداب معاشرت اجتماعی و... اما آیا توانسته است با گذشت پنج سال از تاسیس این دانشگاه، معلمانی پرورش دهد که حداقل ملاک‌های گفته شده را داشته باشند؟ در بحث فرهنگی چقدر دانشگاه توانسته است موفق عمل کند؟ به نظر من این دانشگاه توانسته است تا اندازه‌ای بار

در این آیه می‌فرماید: "ای فرزندان آدم ما بر شما لباسی فرو فرستادیم که عورات شما را می‌پوشاند و نیز پوششی زیبا نازل کردیم، در حالی که لباس تقوا بهتر است که آن از آیات خداست، شاید ایشان متذکر شوند."

سوال این است که آیا باید هر پدیده جدیدی را با چشم بسته بپذیریم و تقلید کورکورانه داشته باشیم تا از قطار مدرنیسم عقب نمانیم یا باید به شدت علیه هر پدیده‌ای که به وجود می‌آید، موضع بگیریم و پایبند سنت باشیم؟ راه حل آن تنها اعتدال و میانه‌روی است یعنی انتخاب آگاهانه و عقلانی.

اسلام با مد و پدیده‌های جدید مشکلی ندارد به شرط آن که با اصول و ضوابطی که مشخص کرده است هم‌خوانی داشته باشد. اسلام پیروی از مد را در حد اعتدال در شیوه‌ی لباس پوشیدن با رعایت اصولی که در پوشش

شرعی آمده رد نمی‌کند و با زیبایی و خودآرایی مخالف نیست، مگر نه این است که تمایل به زیبایی و خودآرایی امری فطری است؟ پوشیدن لباس تمیز، شانه زدن مو، نظافت، خوشبو کردن بدن و لباس و آراسته بودن همه جزء رهنمودهای دینی در مورد خودآرایی می‌باشد اما نه به گونه‌ای که از مسیر اعتدال خرج شود. متأسفانه

از آنجایی که رسالت اصلی دانشگاه فرهنگیان علی‌الخصوص انجمنی مانند انجمن اسلامی، ترویج فرهنگ و پرورش یک انسان فرهنگی در همه‌ی ابعاد بر اساس موازین اسلامی است بر آن شدم تا یکی از اساسی‌ترین مشکلات جامعه و دانشگاه فرهنگیان را به شما خوانندگان محترم بشناسانم.

مد، مدگرایی، مدرنیته، مدرنیسم و... واژه‌هایی هستند که به وفور در جامعه امروز توسط افراد مختلف از آن‌ها استفاده می‌شود، چه در لفظ و چه در عمل. امروزه نمونه‌های زیادی از این قبیل مدگرایی در جامعه وجود دارد، مدل‌های موی خاص یا لباس‌هایی که با فرهنگ ایرانی و اسلامی هیچ سنخیتی ندارند، مصادیق بارز این موضوع هستند. آنچه برای یک معلم بیشتر مورد توجه است و بیشتر او را نزد دانش آموزان محترم می‌کند؛ نوع پوشش، طرز راه رفتن، صحبت کردن و اخلاق و رفتار است که مکمل علم و دانش اوست البته در این شماره تاکید نگارنده بیشتر بر روی لباس و نوع پوشش است.

از ابتدای خلقت، انسان همواره چیزی را به عنوان پوشش برای خود استفاده می‌کرده، زمانی که آدم و حوا از دستور خدا سرپیچی کردند و جزایشان عریان شدنشان بود، خود را با برگ‌های درخت پوشاندند.

تعداد زیادی از آیات قرآن به مسئله پوشش دلالت دارد. نمونه‌ی آن آیه‌ای که در ابتدای مطلب آورده شد، خداوند

وحیدرضا  
کاشی زاده



«وی در شرایط خاصی از نظر خانوادگی و محیط رشد و تربیت و محیط سیاسی و اجتماعی واقع شده بود. که در آن‌ها و بحران‌ها و کوران‌های مخصوص محیط سیاست بین‌المللی آن روز برای رهبری فداکار و مصمم که از نظر ذاتی مستعد بوده، اثرات عالی داشته است. (امیرکبیر یا قهرمان مبارزه با استعمار، آیت الله هاشمی رفسنجانی)»



علمی دانشجویان را ارتقا دهد اما از نظر فرهنگی هنوز کار محسوسی انجام نداده است.

همه‌ی ما از دبستان تا راهنمایی و دبیرستان و اکنون در دانشگاه معلمان و استادان زیادی را دیده‌ایم. بعضی به خاطر سواد علمیشان در نزد ما محبوب بودند و بعضی به خاطر ظاهر آراسته‌شان اما معلمانی هستند که به هیچ وجه از ذهنمان خارج نمی‌شوند و این معلمان کسانی بودند که هم سواد لازم را داشتند، هم با مهربانی و اقتدار با دانش آموزان برخورد می‌کردند و هم ظاهری پسندیده و نیکو داشتند. مگر نه این است که کودکان در سال‌های اول مدرسه تفکر و درکشان عینی است یعنی تا با اکثر پدیده‌ها و وقایع به صورت عینی و ملموس برخورد نکنند، درک نمی‌کنند. پس معلم باید برای تدریس یک موضوع ابتدا از این توانایی دانش آموز استفاده کند تا او را مجذوب درس کند. در مورد ظاهر معلم نیز همین مورد صدق می‌کند؛ دانش آموز به محض برخورد اول با معلم ابتدا شکل و ظاهر او را برانداز می‌کند (مخصوصا دانش آموزان جامعه امروز ما، که خوب به جزئیات توجه می‌کنند) و بعد به سراغ علم و سواد او می‌روند؛ این سخن را دانشجو معلمانی که دوره کارورزی را گذرانده‌اند، قطعاً تایید می‌کنند.

دانشجویان زیادی در این دانشگاه هستند که فقط به دنبال کسب سواد علمی هستند و به پوشش،

نحوه‌ی صحبت کردن و موارد مشابه اصلاً توجه لازم را ندارند، در حالی که تمام این موارد باید به طور آگاهانه و با رعایت اصل اعتدال در کنار هم قرار گیرد. از طرفی به دانشجومعلمان توصیه می‌شود که در کلاس مدرسه ذهن دانش‌آموزانتان را پر از مطالب علمی اما کم کاربرد، نکنید و سعی کنید چگونه زیستن، روابط اجتماعی، محبت کردن، عشق ورزیدن و ... را آموزش دهید اما خود مسئولین و اساتید دانشگاه عکس گفته‌های خود عمل می‌کنند و تا اندازه‌ای هدفشان این است که دانشجو علمش زیاد شود این درحالیست که اساتید نحوه درست روابط اجتماعی را به یک دانشجو معلم آموزش نمی‌دهند و اگر از آن‌ها سوال شود که زندگی

به نظرم دانشگاه فرهنگیان توانسته است تا اندازه‌ای بار علمی دانشجویان را ارتقا دهد اما از نظر فرهنگی هنوز کار محسوسی انجام نداده است.

مطلوب چیست شاید تنها به توضیحی کوتاه و تئوری درباره‌ی عبارت "حیات طیبه" بسنده می‌کنند، انگار نه انگار در چه جامعهای زندگی می‌کنیم، درست مانند اساتیدی که در تدریس دانشجومعلمان نکاتی را متذکر می‌شوند اما حتی نمی‌توان در کلاس واقعی

به آن نکات فکر

کرد، انگار که تا به حال در فضای دبستان قرار نگرفته‌اند! دانشجویی که درست صحبت نمی‌کند، درست لباس نمی‌پوشد و ... چگونه می‌تواند الگوی چندین کودک قرار گیرد؟ چه انتظاری می‌توان از این دانشجو داشت؟

مطمئن باشید اگر

برنامه‌ریزی دقیق‌تری برای پذیرش دانشجو در دانشگاه فرهنگیان باشد، اگر در طول ترم کلاس‌هایی برای رفع مسائل گفته شده برگزار شود (کلاس‌هایی در مورد فن بیان و بدن)، اگر گزینش دانشگاه سخت‌گیری دل‌سوزانه‌تری اعمال کند و در کنار سوالاتی در مورد سیاست و دیانت و ... ارزشیابی‌های

تخصصی هم در مورد شیوه حرف زدن، راه رفتن و پوشش اعمال نماید، قطعاً دانشگاه فرهنگیان به عنوان یکی از بهترین دانشگاه‌ها و دانشجویان شناخته می‌شوند؛ و نه تنها الگوی بچه‌ها بلکه به راحتی الگوی والدین بچه‌ها قرار می‌گیرند. ای کاش دانشجو معلم‌ها به درک این مهم

برسند که چه خواهیم و چه نخواهیم در معرض دیدگان چند صد کودک در طول سال‌های کاری خود هستیم، می‌توانیم چنان جاذبه‌ای داشته باشیم که کودکان ما را از برادر و خواهر به خود نزدیک‌تر بدانند و هم می‌توانیم به قدری از خود دافعه نشان دهیم که از ما تنفر داشته باشند!

قدری از خود دافعه نشان

دهیم که از ما تنفر داشته باشند!

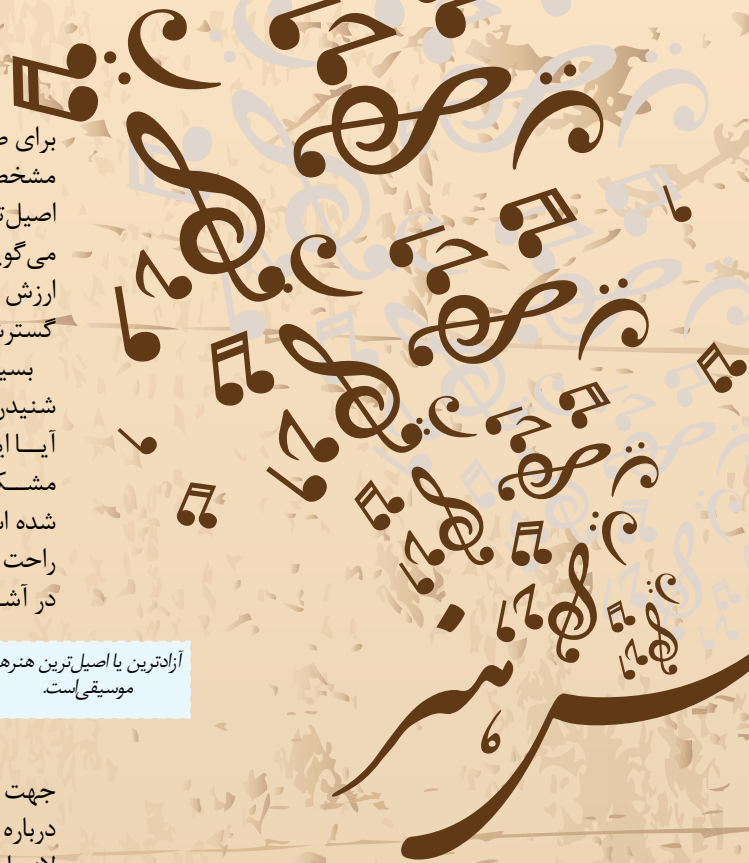
ای کاش دانشجو معلم‌ها به درک این مهم برسند که چه خواهیم و چه نخواهیم در معرض دیدگان چند صد کودک در طول سال‌های کاری خود هستیم، می‌توانیم چنان جاذبه‌ای داشته باشیم که کودکان ما را از برادر و خواهر به خود نزدیک‌تر بدانند و هم می‌توانیم به قدری از خود دافعه نشان دهیم که از ما تنفر داشته باشند!



۹



«امیرکبیر درک کرد، معتقد بود که خیانت به ملت و کشور است که چیزهایی که باید در داخل کشور ساخته شود از خارج وارد شود به همین عقیده اجازه نمی‌داد برای صنعتی شدن کشور یک روز هم سهل انگاری شود. (امیرکبیر یا قهرمان مبارزه با استعمار، آیت الله هاشمی رفسنجانی)



# قاموس هنر

مهدی شیخزاده

۱۰



« نامه هایی از امیرکبیر در دست است که شهادت می‌دهد او با منتهای بی صبری با انتظار ورود استادان (دارالفنون)، دقیقه شماری میکرده و با التهاب و عطش مخصوصی این امر را تعقیب می‌نموده است. (امیرکبیر یا قهرمان مبارزه با استعمار، آیت الله هاشمی رفسنجانی)

برای صداهایی که خواهد شنید مفهوم مشخصی را در نظر بگیرید. پس آزادترین یا اصیل‌ترین هنرها موسیقی است. بنابراین می‌گوییم موسیقی نیز مانند دیگر هنرها ارزش واقعی آن در این است که موجب گسترش علم خودشناسی است.

بسیار شنیده‌ایم که انسان‌ها پس از شنیدن موسیقی، تسکین پیدا می‌کنند، آیا این اظهارات حاکی از آن است که مشکلات این افراد برطرف برداشته شده است؟ مسلماً نه، دلیل واقعی این راحت و سبک شدن آن است که انسان در آشوب زندگی طاقت فرسای روزمره خویش چنان پیوسته در زیر بار تلاش‌های مداوم، ناتوان می‌شود که یارای دمی تفکر برای پیدا کردن راه حلی جهت مقابله با مشکلات خود ندارد.

آزادترین یا اصیل‌ترین هنرها موسیقی است.

درباره موسیقی ایرانی نیز ذکر این نکته لازم است که این موسیقی در چند قرن اخیر به صورت دستگاه‌های هفت‌گانه مرتب شده است. کمتر نغمه زیبایی می‌توان یافت که بر یکی از این آواها یا گوشه‌های آن منطبق نباشد. مطلب اساسی دیگر این است که هر دستگاه یا آوازی نمایش دهنده حالاتی از احساسات و انفعالات انسانیت و هم‌چنین شباهت کاملی به شخصیت و خلقیات انسان دارد. تاگور فیلسوف بزرگ شرق درباره موسیقی ایرانی می‌گوید: "من ایرانی را با موسیقی اصیل آن بهتر شناختم و نظیر این موسیقی را که جادویم کرده است در هیچ جای دنیا نشنیده‌ام." (گفتار ادیب خوانساری)

منابع:

تعلیم و تربیت در اسلام، استاد شهید مرتضی مطهری  
تحقیق در تعریف هنر، محمد یوسف-قبطی

فردی یا اجتماعی انسان است؟ و به‌علاوه ببینیم در غیر این موارد ممنوعه، آیا با هنر مبارزه شده است؟ مسئله موسیقی و غنا مسئله مهمی است، اگرچه غنا حدودش مشخص نیست. غنا ضرب المثل مسائلی است که فقها به عنوان موضوعات مجمل (یعنی موضوعاتی که حدودش مفهوم و مشخص نیست) به کار می‌برند. در مورد موسیقی (به‌ویژه آثار هنری جدید) نیز اگرچه هنرمند اثر خود را به تدریج به گوش تماشاگر می‌رساند اما مرحله روشننگری مطلقاً وجود ندارد زیرا لازمه به‌وجود آمدن روشننگری آن است که تماشاگر پیش از تماشای اثر شرایط و قرارهایی را پذیرفته باشد. یعنی تماشاگر پیش از خواندن یک اثر، معانی، مفاهیم و تشبیه‌های بکار رفته را می‌داند و هنرمند نیز با آگاهی از محفوظات ذهنی تماشاگر، اثر خویش را طوری عرضه می‌کند که مغایر با این شرایط نباشد. اما در موسیقی مطلقاً چنین نیست یعنی مرحله تنویر وجود ندارد زیرا هنرمند پیش از ارائه اثر قراردادی با تماشاگر ندارد و تماشاگر مجبور نیست

یکی از مواردی که می‌توان جوانان را به یادگیری آن تشویق و ترغیب نمود فعالیت در زمینه‌های هنری است. هنر نه تنها باعث افزایش خلاقیت می‌شود بلکه می‌تواند در راه رسیدن به سعادت و زیبایی‌های زندگی به ما کمک کند

جوانان در هر جامعه‌ای جایگاه و اهمیت ویژه‌ای دارند، زیرا این قشر، به‌ویژه شایستگان آن، عامل تحولات بزرگ فرهنگی، سیاسی و اقتصادی یک کشور هستند، از همین رو دشمنان برای جلوگیری از پیشرفت ملت‌ها ابتدا به سراغ جوانان آنان می‌روند تا آنان را از رشد و تعالی و سلامت جسمی و روانی بازدارند و زمینه سلطه بر آنان را فراهم کنند، از این رو لازم است که همه با ادراک درست جایگاه جوانان و حساسیت‌ها و نیازهای آنان، در جهت رشد معنوی و علمی و بالندگی یاریشان کنند. یکی از مواردی که می‌توان جوانان را به یادگیری آن ترغیب نمود فعالیت در زمینه‌های هنری است. هنر نه تنها باعث افزایش خلاقیت می‌شود بلکه می‌تواند در راه رسیدن به سعادت و زیبایی‌های زندگی به ما کمک کند. نظر اسلام نسبت به بعد چهارم روح انسان یعنی استعداد هنری چیست؟ ما باید

ما باید راجع به مواردی که اسلام با آن‌ها مبارزه کرده تامل کنیم و ببینیم آیا اسلام به جهت زیبایی با آن مبارزه کرده یا از آن جهت که برخلاف استعدادهای فردی یا اجتماعی انسان است؟

راجع به مواردی که اسلام با آن‌ها مبارزه کرده تامل کنیم و ببینیم آیا به جهت زیبایی با آن مبارزه کرده یا از آن جهت که برخلاف استعدادهای





# تنبيه يا تشويق؟ مساله اين است!



کسانی که بدون مهارت و تخصص دست به کاری می‌زنند، کارها را خراب‌تری کنند. (تحف العقول/۴۷- حدیث نبوی)

برای انجام درست هر مسوولیت و عملی نخست باید شناخت و آگاهی کافی از آن کار و عمل و شرایط و زمینه‌های آن وجود داشته باشد وگرنه کار چنان که باید و شاید انجام نمی‌گیرد و نتیجه مطلوب به بار نمی‌آورد.

به حتم تربیت در مقایسه با دیگر کارها بسیار دشوارتر و پیچیده‌تر است. از این رو آگاهی از مبانی تربیت و شیوه‌های اجرایی آن ضروری می‌باشد. هر ایده و طرز تفکر با نفوذی، زمانی به سبب جذابیت و قدرت متقاعدسازی‌اش مورد تحسین قرار می‌گیرد و زمانی به علت نفوذ و سلطه‌اش بر فرد و جامعه موجب نگرانی می‌شود و این موضوع هنگامی اتفاق می‌افتد که آن ایده آن قدر شایع می‌گردد که دیگر حتی مورد تأمل قرار نمی‌گیرد و چنان ریشه می‌دواند که مسلم فرض می‌شود.

این نوشته درباره‌ی رویکردی است (رفتارگرایی) که در جامعه ما به چنین جایگاهی رسیده است. در این رویکرد بهترین روش برای وادار ساختن دیگران به انجام کاری، تشويق و تنبيه است. رفتارگرایی جزء لاینکف زندگی مردم شده است؛ در صورتی که این رویکرد زاده‌ی فرهنگ مادی غرب است و به علت آسان بودن استفاده از آن و زمان برنبودن آن مورد استفاده اکثریت مردم قرار گرفته، چه در سیستم آموزشی معلم و دانش آموز چه در تربیت فرزند.

"این کار را بکن تا فلان پاداش را بگیری..." "این کار را انجام بدهی (ندهی) تنبيه می‌شوی" این جملات کاملاً برای ما آشناست و هر فرد در زندگی با آن‌ها سروکار داشته و شنیده است؛ حتی می‌توان گفت که ما با این سیستم بزرگ شده‌ایم.

نوشته‌های متعددی پیرامون این موضوع وجود دارد که در زیر به چند مورد از آن‌ها اشاره می‌کنیم و نتیجه‌ی کلی را بر عهده خواننده می‌گذاریم.

خوانندگان عزیز برای آگاهی بیشتر در مورد جزییات می‌توانند به منابع متعدد رجوع کنند که چند مورد آن در پایان متن آمده است.

شهید مطهری می‌گوید که تربیت باید تابع و پیرو فطرت یا طبیعت و سرشت شی باشد. یعنی اگر بنا باشد یک شی شکوفا بشود باید کوشش کرد همان استعدادهایی که در آن هست بروز کند. بنابراین از همین جا معلوم می‌شود که ترس و ارباب و تهدید، در انسان‌ها عامل تربیت نیست؛ یعنی استعدادهای هیچ انسانی را از راه ترساندن، زدن ارباب و تهدید نمی‌شود پرورش داد. همانطور که در نهج البلاغه هم آمده که عبادت را هم نباید بر روح تحمیل کرد بلکه باید آن را با نرمش بر روح وارد نمود. (فان القلب اذا اُكْرِهَ عَمِيَ؛ قلب اگر مورد اکراه و اجبار قرار گیرد کور می‌شود، یعنی خودش را واپس می‌زند).

شهید مطهری در ادامه می‌گوید که کودک باید آگاه باشد که تشويق یا تهدیدی که می‌شود برای چیست. اگر کودک نفهمد که برای چه تهدید می‌شود روحش به کلی مشوش می‌گردد، و اخیراً به این نکته پی‌برده‌اند که بسیاری از بیماری‌های روانی در اثر ترساندن‌ها یا کتک زدن‌ها و ارباب‌های بیجا در کودکی پیدا می‌شود. برای مثال می‌توان به ماجرای پیامبر و کودکی که در دامن ایشان ادرار کردند و ایشان فرمودند کاری به او نداشته باشید، اشاره کرد.

نظر علامه حکیمی در مورد تشويق حد اعتدال آن است. ایشان می‌گویند تشويق باید به اندازه و در فراخور کار و راه نوباوگان باشد. زیاده‌روی موجب لوسی و پر توقعی می‌گردد و کم و کاستی در آن نیز زیانبار خواهد بود. چنان که ستودن‌های زیاد و یا کم ستودن و بر زبان نیلورتن کارهای خوب مایه سستی و دلسردی می‌شود. امام علی (ع) می‌فرمایند: "ستایش بیش از استحقاق، چاپلوسی است، و

کمتر از آن ناتوانی یا حسادت است." در جای دیگری در احادیثی پیرامون تربیت سختگیرانه و نقش آن در رشد کودکان می‌فرمایند: "معیارهای تربیتی باید جوهردار و عمیق و گه‌گاه سختگیرانه و قاطع باشد، زیرا که همواره روی خوش نشان دادن و نرم‌خویی و نرمش‌های افراطی در برابر هر راه و کار فرزندان و برخوردهای سازش‌کارانه و مطابق دلخواه آنان، پیامدهایی بسیار منفی برای شخصیت کودکان و نوجوانان دارد، و از شکوفایی توان جسمی و روحی و شکیبایی آنان می‌کاهد." روش‌های سخت‌گیرانه (و البته مناسب) و پیشامدهای دشوار چه بسیار که آموزنده است و همچنین پدید آوردن صحنه‌های سخت و نامالیم حتی به‌طور مصنوعی و زودگذر در تکوین شخصیت کودک و پرورش روحیه او تأثیری ژرف دارد.

الفی کهن (Alfie kohn) در کتاب خود با تکیه بر روانشناسی، تنبيه و تشويق را به چالش می‌کشد و می‌گوید: "پاداش و تنبيه دو روی یک سکه‌اند، سکه‌ای که ارزش چندانی ندارد و ما باید دنبال راهکارهایی برای افزایش انگیزه درونی افراد باشیم."

پاداش و تنبيه فرد را به اطاعت وامی‌دارد، اگر هدف اطاعت دیگران از دستورات باشد روش مفیدی است ولی اگر هدف بالا بردن کیفیت دایمی کار است و می‌خواهیم چیزی در فرد نهادینه شود، پاداش و تنبيه کاملاً بی‌اثر و زیان‌آور خواهد بود.

تعلیم و تربیت در اسلام- شهید مطهری

الحیة- محمد رضا حکیمی- جلد ۱۰

نه تنبيه نه تشويق - الفی کهن- ترجمه اکرم کریمی

روانشناسی تربیتی- علی شریعتمداری

تربیت و بازسازی کودکان- علی قاضی

اسلام و تعلیم و تربیت- ابراهیم امینی

محمد صادق  
ملانوری

۱۱



« از رفتارها و گفته‌های او (امیرکبیر) که قسمتی از آن را مورخین ضبط کرده‌اند برمیآید که به تأثیر علم و دانش و بالا بودن سطح افکار ملت، در تکامل و ترقی و سیادت و استقلال کشور، توجه داشته و یک نهضت علمی و فکری را در کشور لازم می‌دانسته و آن را وجهی همت خود قرار داده است. (امیرکبیر یا قهرمان مبارزه با استعمار، آیت الله هاشمی رفسنجانی)



khamenei.ir



♥ 1,396 likes

## #اخلاق\_اصلاح

«وَكَذَلِكَ جَعَلْنَاكُمْ أُمَّةً وَسَطًا لِتَكُونُوا شُهَدَاءَ عَلَى النَّاسِ وَيَكُونَ الرَّسُولُ عَلَيْكُمْ شَهِيدًا»

و این چنین شما را امتی میانه (معتدل) ساختیم تا بر مردمان گواه باشید و پیامبر (صلی الله علیه و آله) هم بر شما گواه باشد. (بقره/۱۴۳)

بهار نقطه‌ی اعتدال طبیعت و تجلی زیبایی چهره‌ی هستی است. ما امیدوارانه بهاری را چشم به راهیم که به حق و حرمت انسان‌ها احترام گذاشته شود و روح قوانین الهی به راستی در جامعه جریان داشته باشد. بهاری که امید، صلح، امنیت، آزادی و اعتدال را برای ایران و ایرانی به ارمغان بیاورد. بهاری که همه دست در دست هم دهیم و در تمام عرصه‌های سرنوشت ساز حضور موثر داشته باشیم.

بهار ۱۳۹۶ در انتظار حماسه‌ای دیگر از مردم ایران برای انتخاب دوازدهمین رئیس‌جمهور کشور است؛ بی‌شک اقبال مختلف جامعه با عقاید و نظرات مختلف، حضوری پررنگ در این رویداد عظیم خواهند داشت و در این مسیر تمام سعی خود را برای حمایت و انتخاب نامزد اصلاح خواهند داشت چرا که آینده از آن ملت‌های فرهیخته، خردمند، شجاع و تلاش‌گر خواهد بود و لازمه‌ی این مهم، انتخاب صحیح است.

به برکت نظام جمهوری اسلامی، اینک حدود چهار دهه است که ایرانیان سرنوشت خود را با حضور پای صندوق‌های رای، تعیین می‌کنند. اما آنچه به‌نظر در این میان کمتر مورد توجه قرار گرفته، رعایت موازین اخلاقی و احترام به عقاید مختلف است. در ایام منتهی به انتخابات و به خصوص در این سال‌ها که با پیشرفت تکنولوژی، اطلاع‌رسانی و دسترسی به اخبار آسان‌تر شده است، متأسفانه هر روز شاهد بروز بی‌اخلاقی، توهین و تهمت‌هایی توسط گروه‌های مختلف هستیم که نتیجه‌ی افراط و تعصب بی‌جا نسبت به عقاید خاص خودشان است.

در تاریخ پرافتخار ما اگر هیچ چیز جز تعیین نقطه‌ی تعادل بهاری به عنوان آغاز سال جدید نبود، کافی بود که به هوشمندی، زیبایی‌شناسی، روحیه‌ی متعادل، درست‌اندیش و درست‌جوی ایرانی پی ببریم؛ پس چه زیباست که در روزهای منتهی به انتخابات بجای تعصب‌های بی‌جا و کور‌کورانه تفکر، جناح و انتخاب خود، نظر و انتخاب سایر افراد جامعه را نیز محترم بشماریم، به آنان احترام بگذاریم و این ایام را مبدا دوستی‌ها و ارادت‌های بلند مدت قرار دهیم، نه پایان دوستی‌های قدیمی و چندین ساله؛ زیرا ما نیازمند هم‌زیستی در یک فضای سالم، متفکرانه و سرافراز هستیم که لازمه‌ی آن دوری جستن از افراط و تعصب است.

در این میان نقش ما به عنوان قشر جوان و فعال جامعه بسیار پررنگ است، آنچه جامعه را از رکود و خمودی خارج می‌سازد و به آن نیروی تازه و امید می‌بخشد، حضور توانمند و تاثیرگذار جوانان است و چقدر این وظیفه، زمانی که جوانان امروز تربیت‌کنندگان نسل فردای ایران اسلامی باشند، حساس‌تر می‌شود. پس سزاوار است جدی‌تر از سایر جوانان جامعه، اخلاق و اعتدال را سرلوحه‌ی رفتار و انتخاب خود قرار دهیم و اندک اندک نسیم اعتدال را در سراسر ایران به حرکت در آوریم.

ميلاد شريفی

۱۲



« مقصد و هدف امیر این بود که در این مدرسه تمام فنون جدیدی که هنوز به صورت کلاسیک، یا اصلاً به ایران نیامده بود در این مدرسه تدریس شود و به همین جهت نام آن را دارالفنون گذاشت. (امیرکبیر یا قهرمان مبارزه با استعمار، آیت الله هاشمی رفسنجانی)



# نخبگان اثرگذاری منفعلان اثرپذیر؟

از زمانی که فضای مجازی پا در زندگی مردم نهاده، جامعه را با یک سری از آسیب‌های جدی اجتماعی و اخلاقی روبه‌رو کرده است. اکنون که نرم افزارهایی همچون تلگرام، توئیتر، اینستاگرام و... به راحتی در دسترس نوجوانان و جوانان قرار می‌گیرد، آسیب‌های مربوط به آن نیز جدی‌تر شده است. ما معتقدیم که این مشکلات ریشه در فضای مجازی ندارد و نمی‌توان گفت اصل وجودی این نسخه از نرم افزارها (که می‌تواند بستر پرفایده‌ای نیز برای اجتماع باشد) ایراد دارد. اما آن‌جا گره در کار می‌افتد که این برنامه‌ها با استفاده‌ی بی‌جا و زیاده‌خواهانه، به عناصر هویت ما لطمه وارد می‌کند.

در این بحث تنها به بدیهی‌ترین آسیب فضای مجازی بر مهم‌ترین ابزار، در عرصه‌ی روابط بین فردی و اجتماعی یعنی «زبان» می‌پردازیم. بنابراین هر چه بتوانیم بیشتر از زبانی پاسداری کنیم که منادی فرهنگ و هویت ما در سالیان پیش است؛ در حفظ این پیشینه و اصالت قوی تاریخی و فرهنگیمان نیز موفق‌تر خواهیم بود.

ادبیات مجازی گاه

آن‌قدر از ادبیات نوشتاری ما دور می‌شود که اصالت زبان فارسی و مادری را نشانه می‌گیرد و به سبب استفاده‌ی مکرر از واژگان بی‌اصالت و نامأنوس در شبکه‌های مجازی؛ این ادبیات هزل به ادبیات رسمی و اصیل ما خدشه‌ای جبران ناپذیر وارد می‌کند. حتی به مرور زمان در

زبان گفتاری (که فاصله‌ی چندانی با زبان نوشتاری ندارد) رخنه می‌کند. به همین دلیل است که صدای زنگ خطر فراموش شدن فرهنگ مکتوب ایرانی به خوبی شنیده می‌شود. با بررسی این موضوع، دو نکته‌ی قابل توجه به ذهن می‌رسد؛ اول آن که کاربران فضای مجازی، رسمی و معیار گفتگو کردن را در شان خود نمی‌بینند و گمان می‌برند

واقعیت امر این است که اکثریت جامعه‌ی مجازی؛ به تدریج در حال خو گرفتن با این تغییرات است. از طرف دیگر با فراگیر شدن استفاده از زبان گفتار در نوشتار و تداوم رویه‌ی کنونی؛ در آینده‌ی دور زبان فارسی به عنوان زبان رایج نوشتار خواهد مرد.

دانشجوی دکترای رشته‌ی حقوق کلمه «قصاص» را «قساس» می‌نویسد. و یا حتی مشاهده می‌شود دانشجویان ما که باید پاسدار اصالت زبان فارسی باشند «راجع به» را «راجب»، «نیست» را «نی»، «می‌خواهم» را «میخام»، «باشه» را «باچه» می‌نویسند و...

واقعیت امر این است که اکثریت جامعه‌ی مجازی؛ به تدریج در حال خو گرفتن با این تغییرات است. از طرف دیگر با فراگیر شدن استفاده از زبان گفتار در نوشتار و تداوم رویه‌ی کنونی؛ در آینده‌ی دور زبان فارسی به عنوان زبان رایج نوشتار خواهد مرد.

چه خوب است که اهالی فرهنگ و ادب با تبلیغ فرهنگ درست نویسی و پاس داشتن اصالت زبان فارسی در فضای مجازی؛ این مسئولیت سنگین را بر دوش بگیرند و فضای مجازی را در، از حیطة اثر گذاری بر کاربران منفعّل به حیطة اثر پذیری از نگهبانان زبان و هویت انتقال دهند.

هر چه واژگان را از اصالت خود دور کنند در نزد مخاطب خود بهتر جلوه می‌کنند. نکته دوم، ضرورت ایجاد در فضای مجازی است که سبب شده کاربران به صورت افراطی واژه‌ها را مختصر کنند و از علایم اختصاری من در آوردی استفاده کنند. به عنوان مثال: در فضای مجازی مشاهده می‌شود

وقتی زبان بازگو کنندمی هویت انسان و جامعه‌ی منوط به آن می‌شود، عنصری مهم در بحث هویت تلقی می‌گردد.



احسان منگلی

۱۳



« او (امیرکبیر) معتقد بود که اگر تبری از جانب استعمار رها شود فرض که مدت‌ها در فضا بماند و معطل بماند، بالاخره به پیکر استعمار خواهد خورد و یک زخم کاری به آن عفريت سخت جان وارد خواهد آورد و لذا برای شروع کار صلاح نمی‌دانست که آنی فرصت را از دست بدهد. (امیرکبیر یا قهرمان مبارزه با استعمار، آیت الله هاشمی رفسنجانی)

# امیر اصلاحات



فاطمه آقا عسکری

۱۴



« اگر امیر کبیر این قدر مهلت می‌یافت یک کادر علمی و فنی، آن‌طور که شروع کرده بود تربیت نماید، ایران ما با این همه امکانات و مقدرات امروزه در صف پیشرفته‌ترین ممالک دنیا قرار داشت. ( امیر کبیر یا قهرمان مبارزه با استعمار، آیت الله هاشمی رفسنجانی)

سال می‌گوید: "در داخل هم هنوز کسانی الان از جنگ می‌خواهند حرف بزنند که حقیقت جنگ را نمی‌گویند، چیزهای دیگری را می‌بافند و تحویل تاریخ می‌دهند... این که ما کاری کردیم جنگ تمام شود، افتخار ماست؛

بچه‌های ما مثل برگ خزان

می‌ریختند روی زمین... هنر بود که ما بچه‌های خودمان را اینجوری بکشیم؟ اگر یکی از این بمب‌هایی که صدام به حلبچه انداخته بود به تبریز انداخته بود چه می‌شد؟ برای عراق مثل آب خوردن بود... آمریکا پا

در کرب او بود... با ما جنگید... خود امام بعد از دو سه ماه فرمودند: "آن روز جام زهر برای من تلخ بود، حالا خیلی شیرین شده است..."

چرخ روزگار چرخید. بعد از فرماندهی جنگ هشت ساله تکلیفش آن شد تا ایران را بسازد. امیر جنگ، امروز باید در اقتصاد و سیاست جهاد کند. این خاک خونی شده از زخم فرزندان، این خاک از اشک مادرانش خیس شده، برای ساخته شدن به یک مرد نیاز دارد. "آسیاب به نوبت آقای هاشمی..." شهید بهشتی گفته بود که نوبت به او هم می‌رسد، او

هم مرد بود مثل بهشتی، مرد بودن اینجا تاوان سختی دارد حتی اگر ایران درمانده‌ی بعد از جنگ را با تمام مشکلات اقتصادی و سیاسی ساخته باشی. مرد آمد، هشت سال ساخت و ساخت، ایران رنگ بر

رخسار گرفت. نام او بیشتر از قبل درخشید انگار باز هم امیر کبیری دیگر در ایران متولد شده بود.

آفتاب می‌سوزاند. مردم نفس به نفس هم نشسته بودند. رجال بلند مرتبه آمده بودند. امروز، روز مهمی بود. آیت الله خطبه می‌خواند. از مردمش می‌خواند و از ظلم روا رفته به مردمش می‌خواند. "این را از کسی می‌شنوید که از شروع مبارزات، لحظه به لحظه

کی به شما صلاحیت داده؟ کی به شما اجازه داده یک جایی قضاوت کنید؟ یک جایی بنشینید داوری کنید بین مجلس و دولت و جاهای دیگر؟ اختیارات را در دست بگیرید، اسلحه مال شما باشه، تربون مال شما باشه،

تربون‌های ائمه‌ی جمعه مال شما باشه، صدا و سیما مال شما باشه، بد هدیه‌ای دادید به بیت امام در این موقعی که بایست همه تبریک بگید تبریک بدی گفتید، ان شاء الله خدا از تقصیراتون بگذره، پشیمان شوید و عذر

خواهی کنید، بگذارید مردم به آن که می‌خوان رای بدهند..." آیت الله بغض خود را فرو می‌خورد. نفس می‌گیرد، عبایش را جمع می‌کند انگار سال ۶۵ است و می‌خواهد دوباره خطبه جنگ بخواند. می‌خواهد دوباره از امامش خطبه بخواند. او می‌تواند مانند همیشه صبور و مهربان در برابر ناملایمات‌های زندگی بایستد. اما این بار تیرهایشان یادگار امام عزیزمان، این آخرین سنگر مردم، شبه الناس به امام، سید حسن را نشانه گرفته

است. آیت الله در فرودگاه مهرآباد، در سی و هفتمین سالگرد ورود امام به کشور از فرزند خلف امام راحل که در انتخابات مجلس خبرگان رد صلاحیت شده بود، دلجویی می‌کند. او نه تنها از بیت امام، بلکه از تمام مردم دلجویی می‌کند، تا قلب‌ها برای استحکام انقلاب هنوز محکم بماند.

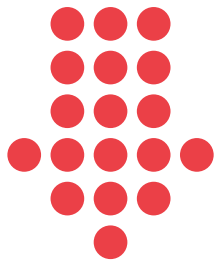
سینه این مرد پر از اسرار است. اسراری از روزگاری که در کنار امام بود تا ایشان جام زهر را خود نوشید و سال‌ها گفتند و نوشتند که هاشمی در هنگامه‌ی پیروزی جنگ برده را با باخت عوض کرد اما هاشمی بعد از گذشت چند

باز هم سردار همه را غافلگیر کرد، شعارها شروع شدند "صلی‌علی محمد، ناجی ملت آمد"، "درد بر هاشمی".

این که ما کاری کردیم جنگ تمام شود، افتخار ماست؛ بچه‌های ما مثل برگ خزان می‌ریختند روی زمین... هنر بود که ما بچه‌های خودمان را اینجوری بکشیم؟

آفتاب سینه مالان غروب می‌کرد و نفس نفس می‌زد برای ریختن آخرین قطره از جام نورش. هوا تنگ بود و سنگین، عکاسی فریاد زد: آمدند، آمدند. دوربین‌ها شروع به فلش زدن کردند، می‌دانستند این یکی از صفحات تاریخ انقلاب خواهد بود و باید امروز به وضوح ثبت شود. چراغ خانه قوت گرفته بود. باز هم سردار همه را غافلگیر کرد، شعارها شروع شدند. "صلی علی محمد، ناجی ملت آمد"، "درد بر هاشمی". پیرمرد میان پله‌های وزارت اطلاعات، دیگر هاشمی دوران جنگ نبود؛ این بار آمده بود بار تکلیف را بلند کند؛ آمده بود نگذارد کمر این انقلاب بشکند. ساعت ۱۷ و ۵۰ دقیقه روز ۲۱ اردیبهشت سال ۹۲ و آخرین دقایق ثبت نام کاندیداهای انتخابات ریاست جمهوری دور یازدهم بود. فرمانده نامزد مردم بود نه گروه‌های سیاسی، اما مردمی که روزها در انتظار تایید صلاحیت نامزدها بودند، با یک شوک بزرگ روبه‌رو شدند، "اکبر هاشمی رفسنجانی صلاحیت ندارد". شورای نگهبان، رئیس مجمع تشخیص مصلحت نظام را رد صلاحیت کرده بود. "هویت خودتون را از کجا آورده‌اید؟





اگران خوب بدانند، در این ایل غیب  
 کبر در تنگ پیری هست هنر  
 گرم دران قیله هکلی گشته شدن  
 تری لکوارن صبی، پیری هست هنر  
 آب اگر نیست ترسید که در فله مان  
 دل دریایی در میان تری هست هنر  
 (کنتز زهار هنر)

۱۵



« امیر مردی متدین و متعبد و مقید به اجرای دستورات دین اسلام بوده است ولی بر خلاف بیشتر رجال متدین و متعصب آن زمان، یک روشن بینی و روشنفکر خاصی در اعتقادات دینی خود داشته است و حتی بسیاری از خواسته‌های روحانیون و مسلمانان روشنفکر و مطلع از وضع زمان امروز که نمی‌توانند آن‌ها را با سطح افکار عمومی مسلمانان وفق دهند، در برنامه‌ی اصلاحات آنروز امیر کبیر به چشم می‌خورد. (امیر کبیر یا قهرمان مبارزه با استعمار، آیت الله هاشمی رفسنجانی)

آیت الله دیگر نیست! گفته بود که "حالا می‌توانم راحت بمیرم"، باید باور کنیم او بین ما نیست و راحت سر بر بالین مرگ نهاده است.

همراه انقلاب بوده است، از شصت سال پیش ما می‌دانیم امام چه می‌خواست، اساس تفکر امام چه بود... روایت جالبی که مبنای استدلال امام بود... امام علی روایت می‌کنند که پیغمبر بعد از غدیر می‌گویند: ای علی تو ولی این امت هستی اگر دیدی مردم راضی بودند، اجماع کردند تو بپذیر و متولی امر شو و اگر اختلاف کردند و نیامدند بگذار هر کاری می‌خواهند بکنند، خودشان می‌دانند، خداوند برای تو راهی پیدا می‌کند که به اهدافت برسی... ما در جمهوری اسلامی قرار بود همین کار را بکنیم، همراه مردم باشیم... همه چیز کشور ما به رای مردم است... افرادی که سمت می‌گیرند به اتکای مردم است... جایی که رای مردم نباشد، اسلامی نیست... در اواخر تبلیغات با عملکرد نادرست برخی مانند صدا و سیما بذر تردید به هر دلیل در ذهن مردم پیش آمد... بخش زیادی از مردم فهمیم ما تردید دارند که باید تردید این‌ها برطرف شود... بعد از نتایج انتخابات دوران تلخی در راه است... همه‌ی جریان‌ها نمی‌خواهند اینجوری شود... ما امروز بیشتر از همیشه نیاز به وحدت داریم... من همیشه از این تریبون فراجحای صحبت کرده‌ام الان هم چند پیشنهاد دارم که با برخی از اعضای مجلس خبرگان در میان گذاشته‌ام... هدف مقدس ما باید بازگشت اعتماد باشد... متأسفانه شورای ناگهبان از این فرصت پنج روزه که رهبری در اختیارشان قرار دادند خوب استفاده نکردند... نگذاریم به خاطر زندانی بودن یک عده، دشمن ما را شماتت کند... از عزاداران باید دل جویی کنند... همه بگذاریم با هم یک فضای آرام، آزاد انتقادی یا تاییدی به وجود بیاید... ما همه عضو یک خانواده هستیم... شاهد همدلی و رقابت سالم باشیم... "خدا نگهدار تو هاشمی" هدیه‌ای بود که مردم بعد از تایید حرف‌های آیت الله، نثار او کردند. جمعه‌ی داغ ۲۶ تیر ۱۳۸۸ آخرین خطبه‌ی هاشمی بود. مردم از آن روز داغ منتظر ماندند تا او باز هم خطبه بخواند، مانند همیشه مردم را در شرایط سخت آرام کند و از آزادی بگوید از صلح بگوید اما التهاب آن روزها او را هم بلعید تا دیگر خطبه‌ی نماز جمعه را آیت الله مردم، نخواند. باور نکنید! اخبار خیلی وقت است که راست نمی‌گویند، دروغ می‌گویند، می‌خواهند او را حذف کنند! می‌خواهند باز هم شایعه پراکنی کنند! حتما گوشه‌ای نشسته است و اخبار تلخ را رصد می‌کند، حتما می‌اندیشد که چه بگوید. خبر بهت آور بود: آیت الله دیگر نیست! گفته بود که "حالا می‌توانم راحت بمیرم"، باید باور کنیم او دیگر بین ما نیست و راحت سر بر بالین مرگ نهاده است.



# هوش زیبا



افسانه کارگر

۱۶



« روحانیت نه به لحاظ لباس و نه به لحاظ تحصیلات لزوماً با اقشار دیگر قرار نیست تفاوت پیدا کند... آنچه در نظام ما مسئله‌ی مدیریت روحانیت را مطرح کرده است آن نیست که روحانی به صرف روحانی بودن امتیاز یا خصوصیات اخلاقی خاصی نسبت به سایر اقشار جامعه دارد. ( هاشمی بدون روتوش، گفت و گوی دکتر صادق زیبا کلام با آیت الله هاشمی رفسنجانی)

طی فرایند آموزش در کلاس‌های درس همواره میزان توجه به یادگیری تئوری‌ها بیشتر از یادگیری اصول اخلاقی و آداب مربوط به آن بوده است.

مشکلاتی که امروزه در زمینه‌های مختلف -از زندگی خانوادگی گرفته تا فضاهای مجازی- به وجود می‌آید، به خوبی می‌تواند کاستی‌های فرایند یاددهی-یادگیری را در بخش آموزش اصول اخلاقی، نشان دهد.

اگر برنامه ریزی‌های صورت گرفته برای محتوای مورد آموزش بتواند در حد قابل قبولی، اصول اخلاقی را در این محتوا بگنجانند و در نظر بگیرد، مسلماً نتیجه‌ی مناسبی از آن به دست می‌آید که می‌تواند موجب کاهش مشکلات گردد. مولفه‌ای که گنجاندن آن در محتوای آموزشی دارای اهمیت است، توجه به تقویت هوش اخلاقیست که توجه به آن در کنار تقویت انواع هوش، می‌تواند در رسیدن به هدف مورد نظر به ما کمک کند.

هوش اخلاقی نشان دهنده‌ی توانایی فرد برای قرار دادن معیارهایی فراتر از منافع خود است.

این نوع هوش یک چارچوب قوی را برای فعالیت انسان‌ها فراهم می‌کند و در واقع تمام انواع دیگر هوش انسان

را در جهت انجام کارهای ارزشمند هدایت می‌کند. آنچه ما برای انجام کارهای درست به آن نیاز داریم، همان هوش اخلاقی بالا کار درست را انجام می‌دهند.

ما از هوش اخلاقی برای یادگیری بهترین عمل استفاده می‌کنیم، در هر بخش از زندگی به بهترین اطلاعات می‌رسیم، خطرات را به حداقل می‌رسانیم و نسبت به نتیجه‌ی عملمان خوش بین هستیم.

هوش اخلاقی به‌طور کامل آموختنی و قابل یادگیری است و

تنها از طریق تربیت به کودکان منتقل می‌شود. هوش اخلاقی نشان می‌دهد که ما به صورت ذاتی، اخلاقی یا غیر اخلاقی متولد نمی‌شویم، بلکه یاد می‌گیریم، چگونه خوب باشیم. یادگیری برای خوب بودن در مسائل مربوط به ارتباطات، جامعه پذیری و آموزش اهمیت دارد که هرگز پایان پذیر نیست. بهترین زمان آموزش هوش اخلاقی در فرزندان از دوره‌ی نوزادی تا پایان نوجوانی است.

اینجاست که نقش و اهمیت آموزش در مدرسه و نظام تربیتی مشخص می‌شود. وقتی در برنامه‌ی آموزش

مولفه‌ای که گنجاندن آن در محتوای آموزشی دارای اهمیت است، توجه به تقویت هوش اخلاقیست که توجه به آن در کنار تقویت انواع هوش، می‌تواند در رسیدن به هدف مورد نظر به ما کمک کند.

هوش اخلاقی نشان می‌دهد که ما به صورت ذاتی، اخلاقی یا غیر اخلاقی متولد نمی‌شویم، بلکه یاد می‌گیریم، چگونه خوب باشیم.

مدرسه‌ای برای تقویت هوش اخلاقی برنامه ریزی شود و نیروهای تربیت شده از هوش اخلاقی برخوردار باشند، سرمایه‌های ارزشمندی برای کشور تلقی می‌شوند زیرا پرورش هوش اخلاقی در فراگیران موجب شکل‌گیری کارهای تیمی قوی و افزایش بهره‌وری می‌شود، مانع انجام اعمال مجرمانه شده و دستورالعمل‌های اخلاقی را وارد تصمیم‌گیری‌ها می‌کند، باعث به‌وجود آمدن تصویری مثبت از انسان در ذهن مردم می‌شود، سبب به‌وجود آمدن شناخت و حساسیت‌های اخلاقی می‌شود و به ایجاد محیطی شاد کمک می‌کند.

کودکانی که به هر دلیل هوش اخلاقی کسب نکرده‌اند در معرض خطرهای جدی قرار دارند. این کودکان به دلیل وجدان متزلزل، ضعف در مهار کردن امیال، رشدنیافتگی حساسیت‌های اخلاقی و باورهای که به گونه‌ای نادرست هدایت شده، تا حد زیادی به عقب افتادگی اخلاقی و اجتماعی دچار و در بزرگسالی به شخصیت‌های ناپه‌نجمار و ناموفق تبدیل می‌شوند. پس لازم است ما طلابه‌داران نظام آموزشی فردای ایران، توجه ویژه‌ای به این جنبه‌ی مسکوت از هوش داشته باشیم.

پرورش هوش اخلاقی در فراگیران موجب شکل‌گیری کارهای تیمی قوی و افزایش بهره‌وری می‌شود، مانع انجام اعمال مجرمانه شده و دستورالعمل‌های اخلاقی را وارد تصمیم‌گیری‌ها می‌کند



# ای بس آلوده که پاکیزه ردایی دارد...



فاطمه سادات  
سالاری

۱۷



« انقلاب ما انصافا مردمی بود. در کنار ما گروه‌های مسلحی مثل منافقین، فداییان خلق، چپ مسلح و تشکیلات سیاسی مثل نهضت آزادی و جبهه‌ی ملی هم بودند. ولی ما که پایه اصلی بسیج مردمی بودیم، تشکیلات و سازمانی نداشتیم معتقد بودیم که انقلاب باید مردمی بماند. (هاشمی بدون روتوش، گفت و گوی دکتر صادق زیبا کلام با آیت الله هاشمی رفسنجانی)

در روز قیامت بنده ای که نماز نخوانده است را می آورند. او می گوید: "پروردگارا! برای رضای تو نماز گزارده‌ام". پاسخ داده می شود: "بلکه نماز گزاری که بگویند: فلانی چه نماز خوبی می خواند! (پس ای فرشتگان) او را به دوزخ ببرید". بنده‌ای دیگر را می آورند که قرآن آموخته است. او می گوید: "پروردگارا! برای رضای تو قرآن یاد گرفتم". به او گفته می شود: "بلکه (قرآن) یاد گرفتی که گفته شود: فلانی چه صدای خوشی دارد! (پس ای فرشتگان) او را به دوزخ ببرید". بنده‌ی دیگری را می آورند که جهاد و کارزار کرده است. او می گوید: "خدایا برای خاطر تو جهاد کردم". به او گفته می شود: "بلکه (بادشمنان) جهاد نمودی که بگویند: فلانی چقدر شجاع است! (پس ای فرشتگان) او را به دوزخ ببرید".

امام صادق (ع)

وقتی این حدیث از امام صادق (ع) را دیدم، با خود اندیشیدم چقدر زیادند افرادی که کارهای خود را در پس محاسن بلند خود و پیشانی‌های پینه بسته پنهان می کنند و مردم زود باور هم این افراد را قدیس‌هایی برای پرستش خود برمی گزینند. دو ایرانی را می شناسم که از نظر ظاهر متفاوتند یکی پیشانی پینه بسته‌ای دارد و پرچم بانکداری اسلامی در دست گرفته، دیگری دانشمند ناسا است و مدل موهایش باعث معروف شدن دو چندان او شد. یکی به دلیل افشا شدن فیش حقوق نجومی از کار برکنار می شود و دیگری با فرود موفقیت آمیز بر مریخ باعث افتخار ایران و ایرانی می شود.

**آیا دیگر وقت آن نرسیده است که از روی ظاهر دیگران قضاوت نکنیم؟**

در کشوری که مهر روی پیشانی ارزش محسوب می شود، حرف از عدالت و برابری اجتماعی عین بی عدالتی است. فقط یک سوال: چرا فقط بزرگان کشور پیشانی‌شان از سجده پینه بسته است؟ در روایات داریم حضرت علی بن حسین از سجده‌ی زیاد لقب سجاد گرفته و زینت عبادت کنندگان قرار گرفته‌اند... پس با وجود پیشانی‌های پینه بسته‌ی مردان سرزمینم، شاید چند صد سجاد در کشور وجود دارد! آیا شما روایتی شنیده‌اید که پیامبر بر پیشانی پینه بسته

یک عابد و زاهد از فرط عبادت بوسه زده باشد؟ هرگز! شما چقدر شمر را می شناسید؟ در صدر اسلام مردی ۱۶ بار با پای پیاده به سفر حج رفته بود. نماز و روزه‌هایش هیچ وقت ترک نشد. آشکارا هم فسق و فجور نمی کرد و شاید اهل رشوه و ربا هم نبود، جانباز امیرالمومنین بود، کسی بود که در کنار مولا زخمی شده بود. چه کسی می تواند تصور کند که این مرد روزی بگوید: "اگر هزار دفعه‌ی دیگر هم زنده شوم و بمیرم باز هم به جنگ با نوه‌ی رسول خدا بر می خیزم؟" پس یا این حساب محاسن بلند و پینه‌ی پیشانی و ... دلیل بر عابد بودن آن فرد نیست شاید دلیل پینه‌ی پیشانی اش، این دو بیت باشد:

مهر از پینه‌ی پیشانی من گمان بر رتبه‌ی عرفانی من  
ز خاطر بردن ذکر سجود است دلیل سجده‌ی طولانی من

اما یک سوال بی پاسخ دیگر، چرا فقط مردان پیشانی‌شان از سجده‌ی زیاد پینه می کند؟ مگر نمی گویند پست زن لطیف تر است یعنی در این کشور هیچ زنی اندازه‌ی مردانش سجده نمی کند؟

بسیارند افرادی مانند شمر که ظاهری زاهدانه دارند و باطنی شیطان صفت و افرادی مانند رجبعلی خیاط که زندگی عادی داشت و پینه‌ی پیشانی هم نداشت ولی از عابدترین افراد روزگارش بود.

و اما یک سوال بی پاسخ دیگر، چرا فقط مردان پیشانی‌شان از سجده‌ی زیاد پینه می کند؟ مگر نمی گویند پست زن لطیف تر است یعنی در این کشور هیچ زنی اندازه‌ی مردانش سجده نمی کند؟

در کشوری که مهر روی پیشانی ارزش محسوب می شود، حرف از عدالت و برابری اجتماعی عین بی عدالتی است. فقط یک سوال: چرا فقط بزرگان کشور پیشانی‌شان از سجده پینه بسته است؟ در روایات داریم حضرت علی بن حسین از سجده‌ی زیاد لقب سجاد گرفته و زینت عبادت کنندگان قرار گرفته‌اند... پس با وجود پیشانی‌های پینه بسته‌ی مردان سرزمینم، شاید چند صد سجاد در کشور وجود دارد! آیا شما روایتی شنیده‌اید که پیامبر بر پیشانی پینه بسته

# مصاحبه

مبین قربان رضایی



مصاحبه کننده  
احسان منگلی

۱۸



« اگر تحریم‌ها نبود در نقطه‌ای اوج پیشرفت بودیم، منتها آن هفت هشت سال تحریم خیلی سخت بود و ضربه زد اگرچه بعضی آن را نعمت حساب می‌کنند، بعضی‌ها برای گول زدن مردم تحریم‌ها را نعمت حساب می‌کنند، چه نعمتی! (سخنرانی آیت‌الله هاشمی در مراسم رونمایی مجموعه تاریخ جامع ایران)

سلام عرض می‌کنم خدمت مخاطبان شریف نشریه‌ی صبح امید، میهمان مصاحبه‌ی این شماره؛ سرکار خانم قربان رضایی هستند، امیدوارم بتوانیم گفت‌وگویی جذاب را رقم بزنیم.

« سلام و وقت بخیر؛ سرکار خانم قربان رضایی؛ به رسم همه مصاحبه‌ها، مختصری درباره‌ی خودتان بگویید.

یک معلم و به اشتغال در این حرفه که یک فعالیت ارزشمند اجتماعی و فرهنگی است؛ می‌بالم.

« چرا مسیر تدریس را انتخاب کردید، شغل دیگری را دوست نداشتید؟ با هدف نشر علم و انتقال تجربیات کاری خود و تغییر نگرش افراد همراه با افزایش بصیرت اجتماعی مخاطبان، تدریس را برگزیدم.

« سوال دیگر من این است که به چه علت رشته‌ی ادبیات را بین این همه رشته‌ها انتخاب کرده‌اید؟

از دوران اولیه آموزش دبستانی به ادبیات علاقه داشتم و باور دارم ادبیات فصل مشترک تجربیات انسان‌ها بوده و خواهد بود و به واسطه آن است که افراد می‌توانند با یکدیگر گفت‌وگو کنند. به علاوه پایه و اساس یادگیری همه‌ی علوم «زبان آموزی» است. به تعبیری ادبیات می‌آموزد «چیس‌تیم و چگونه‌ایم». هیچ چیز بهتر از ادبیات که میراث گذشتگان

و پیشینه‌ی فرهنگی ماست نمی‌تواند تفاوت‌های قومی و ملیتی که نشانه‌ی غنای فرهنگی است را نشان بدهد. ادبیات به دل می‌نشیند و دست مایه‌ی ادبی نسل‌هاست.

« از نظر شما یک دانشجوی ایده آل باید چه ویژگی‌هایی داشته باشد؟ یک دانشجوی خوب به معنای واقعی

باید در جستجوی علم و فضیلت باشد و طالب دانش اندوزی و تحقیق و پژوهش بوده و خود از استاد مطالبه‌گر باشد.

« جالب است که بین دانشجویها به خوش اخلاقی و خوش برخوردی شهرت یافته‌اید؛ علت این امر چه می‌تواند باشد؟

ضمن تشکر از حسن نظر دانشجویان محترم، علاقه‌ی به تدریس و شور و نشاط حضور در کلاس را که از بهترین لحظات عمرم است، دلیل این امر می‌دانم. از امام صادق علیه السلام سوال شد: «حد حسن خلق چیست؟» آن حضرت فرمود: «نرم بودن، پاکیزه سخن گفتن و با چهره

خوب با دیگران برخورد کردن. نرم بودن به معنای سبک‌گیری نکردن است». آسان گرفتن امور دنیا می‌تواند تاثیر زیادی در خوش اخلاقی داشته باشد.

« بگویید کدام یک دانشجویان دختر یا پسر در جریان تدریس بهتر اند؟

با در نظر گرفتن ویژگی‌های هر دو گروه که امری طبیعی و ذاتی است هر دو خوب هستند منتها سبک یادگیری آن‌ها متفاوت است؛ دختران به جزئیات و ریزه کاری‌های مطالب آموزشی توجه بیش‌تری دارند و پسران کل نگر هستند و فعالیت‌های عملی را بهتر انجام می‌دهند.

« یک دانشجو چطور می‌تواند شما را عصبانی کند؟

ضمن اعتقاد به داشتن صبوری و آرامش در برابر دانشجویان، از کسانی که در فضای کلاس فقط حضور فیزیکی دارند و به درس توجهی نشان نمی‌دهند ناراحت می‌شوم.

« اصلاً تا به حال پیش آمده که از دانشجویی عصبانی بشوید؟ در آن لحظه چه اقدامی کرده‌اید؟

بله. با حفظ مدیریت رفتار خود، با تغییر رویه در فعالیت کاری و کاستن از انعطاف‌های احتمالی، منش دیگری اتخاذ کرده‌ام.

« نظر شخصی شما راجع به دانشگاه فرهنگیان چیست؟

دانشگاهی است برای تأمین، تربیت و توانمندسازی معلمان و نیروی انسانی به شرط آن که ورودی‌های این دانشگاه از اهداف آن فاصله نگیرند.

« شما هم مثل من معتقدید که دانشگاه فرهنگیان از حیث اساتید دارای مشکلات عدیده‌ای است؟ ممکن است مختصری توضیح دهید.

هیچ چیز بهتر از ادبیات که میراث گذشتگان و پیشینه‌ی فرهنگی ماست نمی‌تواند تفاوت‌های قومی و ملیتی که نشانه‌ی غنای فرهنگی است را نشان بدهد. ادبیات به دل می‌نشیند و دست مایه‌ی ادبی نسل‌هاست.

واقعیت امر این است که برخی از اساتید محترم از منارج تحصیلی عالی برخوردارند ولی تجربه‌ی کار با فراگیران و خدمت در آموزش و پرورش ندارند.





۱۹



« ما داریم مبارزه‌ی دینی می‌کنیم امیرکبیر نباید آن طرف ما باشد ما باید به حوزه بگوییم که مقتضای این مبارزه این است یعنی راه و روش امیرکبیر و آخر باید به کاری برسیم که اینگونه باشد. پس بنابراین من به صورت مبنایی و در تفکر خود به اینجا رسیده بودم و بعد او را مصداق خوبی دیدم. (هاشمی بدون روتوش، گفت و گوی دکتر صادق زیبا کلام با آیت الله هاشمی رفسنجانی)

« دکتر ظریف: سفیر و نماینده ایران در سازمان ملل  
برجام:

رفع ابهام ایران هراسی  
« تربیت معلم: ایستگاه توانمند سازی و حرفه آموزی  
معلمان آینده

« موسیقی: غذای روح و آرامش بخش  
فلسفه:

دانش دوستی، حاصل کار و تفکر. در ضمن رشته‌ی تحصیلی کارشناسی ارشد من فلسفه‌ی آموزش و پرورش است.

« در آخر اگر سخنی با خوانندگان (دانشجو معلمان) نشریه دارید بفرمایید.

اکنون که کسوت معلمی را پیشه خود ساخته‌اید و مسیری را برگزیده‌اید که طریق انبیا و اولیای الهی است، بیایید آگاه باشیم که توسط دانش آموزان آگو برداری می‌شویم لذا هرچه بیش‌تر مراقب رفتار، اخلاق و منش انسانی خود بوده و وظیفه‌ی خود را بسیار فراتر از دانش و مهارت آموزی بلکه تغییر نگرش جامعه بدانیم. به عنوان والاترین پزشکان روح و روان فرزندان این جامعه و مدیران و رهبران آن‌ها، قدر خود را بشناسیم و فرصت‌ها را مغتنم شماریم.

به عنوان یک نهاد نو بنیاد از حیث شاخص‌های کلی آموزشی و پژوهشی نسبت به سایر دانشگاه‌ها فاصله‌ی تقریباً زیادی دارد ولی اخیراً با جذب هیئت علمی که از شاخصه‌های کمی، کیفی و تحلیلی است سعی در ارتقای سطح دانشگاه نموده، در ارتباط با مراکز تحقیقاتی، انتشارات تحقیقاتی (تألیف و ترجمه کتب و مقالات علمی پژوهشی و...)، کنفرانس‌ها، همایش‌ها و ... نیز نیاز به توجه

بیشتری دارد به‌خصوص در بخش اعتبارات، امکانات و فضاهای دانشجویی و فرهنگی نیاز به توجه بیشتر مسئولین امر دارد. من چون بیش‌تر یک فرهنگی هستم تا دانشگاهی و کار تدریس در تربیت معلم سابق را از حدود سال ۸۰ آغاز کرده‌ام از تدریس در این دانشگاه و آماده سازی نیروهای ارزشمند فرهنگی سال‌های آتی، اظهار رضایت دارم.

« نظراتان را راجع به واژگان زیر بیان کنید:

« دانشجو معلم:

امید فردای جامعه‌ی تعلیم و تربیت  
« انتقاد: سازنده

« دونالد ترامپ: محافظه کار متمول

گرچه مسئولین امر در تلاشند تا بهترین اساتید را برای دانشگاه فرهنگیان گلچین کنند اما واقعیت امر این است که برخی از اساتید محترم از مدارج تحصیلی عالی برخوردارند ولی تجربه‌ی کار با فراگیران و خدمت در آموزش و پرورش را ندارند و این امر مشکلاتی را در ارائه‌ی دروس تخصصی ایجاد می‌کند و آموزش با کیفیت را تحت الشعاع قرار می‌دهد که خوشبختانه

در این خصوص تدابیری در زمینه دانش افزایی و ارتقای مهارت‌های حرفه‌ای اساتید اندیشیده شده است.

« سطح علمی دانشگاه فرهنگیان را چه طور می‌بینید؟ از تدریس خود در آن راضی هستید؟ در مقایسه با دانشگاه‌های دیگر سطح علمی این دانشگاه چه طور است؟

دانشگاه فرهنگیان که به نوعی هم زیر نظر وزارت علوم و تحقیقات و هم آموزش و پرورش است سعی در جذب نیروهای توانمند آموزش و پرورش نموده است

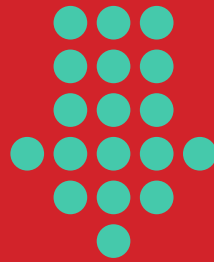
ولی کار برای جذب هیئت علمی و متوازن کردن نسبت استاد به دانشجو را به تازگی شروع کرده و به نقل از مسئولین امر در سال‌های آینده باید شاهد افزایش جذب هیئت علمی در آن باشیم. دانشگاه فرهنگیان

به عنوان واترین پزشکان روح و روان فرزندان این جامعه و مدیران و رهبران آن‌ها، قدر خود را بشناسیم و فرصت‌ها را مغتنم شماریم

دانشگاه فرهنگیان به عنوان یک نهاد نو بنیاد از حیث شاخص‌های کلی آموزشی و پژوهشی نسبت به سایر دانشگاه‌ها فاصله‌ی تقریباً زیادی دارد.



« اگر نظام نخواهد یا نتواند با پدیده‌های زشت و گناه‌آلودی مثل تهمت‌ها، دروغ‌ها و خلاف‌گویی‌های مطرح شده در آن مناظره برخورد کند و اگر مسوولان اجرای قانون نخواهند و یا نتوانند به تخلف‌های صریح خلاف قانون در اعلان افراد به عنوان فاسد که فقط بعد از اثبات تخلف در دادگاه قابل اعلان است، رسیدگی کنند... چگونه می‌توان خود را از پیروان نظام مقدس اسلامی بدانیم؟! ( متن نامه ی آیت‌الله هاشمی به مقام معظم رهبری)



## "هاشمی بدون رتوش"

نویسنده: دکتر صادق زیبا کلام / فرشته سادات اتفاق فر  
ناشر: انتشارات روزنه  
گونه: سیاسی / گفت و گو محور

قتل‌های زنجیره‌ای، ادامه جنگ بعد از فتح خرمشهر، تداوم گروگان‌گیری کارکنان سفارت آمریکا، انقلاب فرهنگی، فساد، شبهه‌هایی علیه دارایی‌های آقای هاشمی، تحلیل اتفاقات بعد از دوم خرداد این‌ها و بیشتر از این‌ها در قالب گفت‌وگوهایی صریح و بی‌پرده صادق زیبا کلام در طی اواخر دهه‌ی ۷۰ (بهمن ۱۳۷۹) و اواسط دهه‌ی ۸۰ (سال ۸۴) با آیت الله هاشمی رفسنجانی است. اولین چاپ آن در سال ۸۶ روانه بازار شده است و اکنون به چاپ پنجم رسیده است. نویسنده قول آن را داده است که در چاپ بعدی نظر آیت الله را در رابطه با آمریکا ستیزی در بعد از انقلاب را به کتاب اضافه کند.

قسمتی از مقدمه: شاید نخستین مطلبی که می‌بایست در خصوص این کتاب گفت پیرامون آن چیزی باشد که آن نیست. این کتاب نه مصاحبه با آقای هاشمی رفسنجانی است، نه گفتگوست، نه تاریخ شفاهی و نه نقل‌خاطرات. از این بابت این کتاب هیچ ارتباطی با سایر کتب و آثار متعددی که تاکنون از آقای هاشمی تألیف شده ندارد. در تمامی آن آثار، چه در قالب خاطرات و یا مصاحبه، آقای هاشمی متکلم وحده هستند. به این معنا که ایشان یا مطالبی را به صورت خاطرات نوشته‌اند و یا آن که از ایشان پرسش‌هایی شده و آقای هاشمی هم پاسخ داده‌اند. کتاب حاضر اساساً این‌گونه نیست. این کتاب فی‌الواقع گفتگو با آقای هاشمی است؛ یا درست‌تر گفته باشیم، بحث و گفتگو با ایشان است. بحث و گفتگوهایی که در مواردی بدل به جدل و گفتگوهای صریح شده است.

## "رهایی از زندان ذهن"

نویسنده: ماتیو مک کی، کاترین سوتک  
مترجم: دکتر زهرا اندوز، دکتر حسن حمیدپور  
موضوع: روان‌درمانی و مشاوره - درمان‌های موج سوم  
سال چاپ: ۱۳۹۴

وقتی دست از اعتقاد به افکار تان بر می‌دارید، افکار تان تسلیم می‌شوند و ذهن تان به احساس آرامش و امنیت بیشتری دست می‌یابد. در بخش اول کتاب یاد می‌گیرید چه طور افکار تان را بشناسید و آن‌ها را مشاهده کنید و چگونه فکرتان را تغییر دهید. در بخش دوم کتاب، به نقش و تأثیر این افکار در زندگیتان پی می‌برید. وقتی فریب افکار تان را نمی‌خورید و آن‌ها را به دقت شناسایی می‌کنید و می‌دانید که عملکردشان چیست و قرار است چه کار کنید، موفق می‌شوید که نفوذ آن‌ها را در زندگیتان کاهش دهید.

در بخش سوم کتاب به این موضوع می‌پردازیم که چه طور می‌توانید یک فکر را مشاهده کنید، بدون این که درگیر محتوای آن شوید. این کتاب، روش‌های نوین و خلاقانه‌ای در اختیار شما قرار می‌دهد تا در طول سفر روزانه ذهن تان، شما را همراهی کند.

## "چگونه پدر و مادر خود را تربیت کنیم"

نویسنده: پیت جانسون  
مترجم: رضی هیرمندی  
چاپ اول: ۱۳۹۵

کتاب «چگونه پدر و مادر خود را تربیت کنیم» اثری طنزآمیز از پیت جانسون با ترجمه رضی هیرمندی است که از سوی نشر هوپا منتشر شده و شامل داستان‌هایی طنزآمیز در مورد پسر بچه‌ای به اسم لویی برای کودکان و نوجوانان است. "...باورتان نمی‌شود چقدر از پا گذاشتن توی این مدرسه چن‌دشم می‌شود. مخصوصاً روزهای دوشنبه.

به کلاس درس ثابت‌مان می‌روم و آنجاست که باز با قیافه‌ی وُرمولد پیر روبه‌رو می‌شوم. همین که چشمش به من می‌افتد، لبش عین یک ساندویچ بیات چروک می‌افتد. آخر چرا من نباید یک معلم شادتر و باحال‌تر داشته باشم؟ یکی مثل جک، قاتل زنجیره‌ای! همین‌تازگی مدرسه‌ی جدیدم را شروع کرده‌ام. مدرسه‌ای می‌گویم و مدرسه‌ای می‌شنوی. همین‌قدر بگویم که اینجا پر است از خرخوان‌ترین آدم‌هایی که توی عمرم دیده‌ام..."



# فیال فاستری



پلیور کرم رنگش را با ابهت مردانه‌ای پوشید و جلوی آینه‌ی مغازه موهایی که رنگ سال‌ها تجربه روی آن نشسته بود را با دقت مرتب کرد. اخم‌های صورتش را برای نشان دادن قدرت تنظیم کرد و با یک چرخش روبه‌روی احمد قرار گرفت؛ پسرک جوانی که دو سال می‌شد کارهای مغازه‌ی آقای نادری را راست و ریس می‌کرد. آقای نادری عادت داشت با کلام درشت و نه‌چندان دوستانه‌ای خطابش کند و به او بفهماند که هنوز صاحب جاه و مال است و برای او که در جایگاه شاگردیست، ارزشی قائل نیست. کارهای سنگین مغازه یک تنه بر دوش این شاگرد بخت برگشته بود و مزد ناچیزی که دریافت می‌کرد حداقل برای الهه، دختر ناز پرورده‌ی پدر که شب‌ها برای دیدار او منتظر می‌نشست، انصاف نبود. درد این جاست که احمد پدر بود و ناچار تا تلخ‌ترین تمسخرها را برای حفظ غروری که دخترکش به آن تکیه کرده بود، بشنود. آقای نادری متوجه نبود که گنجینه‌ی اعتقادات پوشالی و تعصب‌های بی‌جا را پیشه‌ی رفتار خود کرده است. نمی‌دانم احمد عادت کرده بود به این مسیر یا راه بازگشتی نداشت.

آدمک‌های اطرافمان غرق شده در سیلاب تفکرات بی‌ریشه‌ای هستند که آن‌ها را در بند کرده است و برای رهایی از این زنجیرهای تعصب باید از آغاز شروع به خلق خود کنند؛ ولی آیا می‌شود از آغاز شروع کرد؟ گاهی آدمیت را باید فریاد زد؛ آن قدر بلند فریاد زد که فلک و کوه‌ها صدایت را به گوش آن‌هایی که این عنصر را تکه تکه می‌فروشد، برسانند. گاهی باید اشک ریخت آن قدر زیاد اشک ریخت که سیل زجرهایت همه‌ی ناآدم‌ها را با خود ببرد و یا گاهی باید نشست و سکوت کرد تا ابدیت... و راهی جز این نمیایی... ای کاش انسانیت از جنس روح نبود و کاش مردگان متحرکی بودیم که از تعصب‌های باطل و بی‌انصافی، چیزی نمی‌دانستیم.



۳۱



« برخی آقایان تا اسم فرهنگ می‌آید، می‌روند فیلم یک هنرمندی را که نظرش را قبول ندارند می‌گویند یا اکتفا می‌کنند به مسئله‌ی موی زن‌ها، من یکبار این جمله را از رهبری شنیدم و فهمیدم راضی نیست. (دیدار مجمع تشخیص مصلحت نظام، نوروز ۱۳۹۳)

قهوه‌ی چشمان تو حل می‌شود در فال‌ها

عطر تو گم می‌شود در ازدحام سال‌ها

قاپ لبخند تو را دیوار هم باور نداشت

جای چشمان تو را پر کرد این تمثال‌ها

لحظه‌ها مجذوب این آرامش طوفانی‌ات

باز هم مسحور زیباییت، خط و خال‌ها

آیه آیه در نگاهت زندگی تفسیر شد

عشق اما بی‌حضورت، حجمی از اشکال‌ها

من تمام آسمان را در هوایت پر زدم

جاده پوشیده است حالا از سپید بال‌ها

قاصدک‌ها بی‌نگاهت راه را گم کرده‌اند

رنگ می‌بازند در این شعر حس و حال‌ها

خاطرات کهنه را من در خیالم گشتم

می‌درخشد نام تو حتی پس از این سال‌ها...





امروز در یک حرکت ناگهانی، رئیس‌جمهور، سخنانی را به زبان آورد که باعث خشم و خصایت جمعیت میلیونی دلالان و سفارت‌نوردان عزیز و دلسوز شد. ما که بارها و بارها اعلام کرده بودیم، قصدمان اشتغال مخرب نیست و صرفاً کمی آسانی و بیندیش را شخم می‌زنیم، ولی بازم حسن روحانی به دلسوزی هالی‌ما‌اسی استیضاح کرد و به مذاکره متعلقه ما را از این داد دادیم.

منه



طبق گزارش خبرنگار بیطرف و منصف گیهان  
**آحاد مردم از برجام ناراضی اند**

امروز، خبرنگاران ما به همراه چند تن از خبرنگاران همیشه بر حق و مظلوم صدا و سیما در بین مردم گزارش فعالیت مندی از برنامه را تهیه کردند. طبق این گزارش رسمی مردم ایران به کلی از برنامه ناراضی بوده و خواستار بازگشت به حالت قبل از برنامه و تحریم های بیشتر هستند. عمده سخن آن ها این است که چرا مردم هر وقت را میماند؟

Parasit

سال، هفتاد و پنجم □ شماره YDA □ تکشمه‌ها = D-روالی

(اصفوحه) (به الفاصله نياز مندي هاي ويزه تهران)

شعبه ۱۶ اسفند ۱۳۹۵ □ ۱۴ جمادی الثانی ۱۴۳۸ □ ۱۱ مارس ۲۰۱۷

**مردم و نخبگان و ما و اصلا کلا  
همه با خرید ایرباس پیشرفته و  
به روز و استفاده از آن ناراضی و  
ناراحت اند.....والا به خدا!**

افرادى در اين مملكت طيورى و نمود مى كنند كه انگار ما با آبانى و  
پيشرفت مخالفين، در حقيقت اين گونه نيست، ما با آزادى و برابرى و كنسرت  
و كلا هر چيزى در اين دولت مخالفين، حتى شما برادر بزرگوار!

ما دواپسان خفاشوں پر زمانِ تورم ۹۰ درصدی و قتل عام مردم پر سوانحِ هوانی دولت، مریوزرزان، نسبت به این حربِ کثیفِ پارت خیرید دواپسما به شدت متعجب و در خفا میماندند. اما سبب این ما سبب این دواپسما خیرید اولومله نه که نسی! نه! حب اولومید و ارادان این دواپسما به احتیاجِ بختل و دست و پا بی کیفیت فرستوی و زان شده است. هر همین بر که دوازم ایاس پاپ میسکیم سبب سگ این نوزیوولف هاس و ایتنوشوف هاس ده ۹۰ رومیه شرف سگ این ایریاس خیرای فراسوی شصتا میگه نه! بیبا به نظر سخی کشانیدیم! آرمزها میگه ۶۶ درصد مردم از ایریاس خیرای نازایی است. حب اصل! این بحث میسکیم چیچی. این دواپسما پسند ما پسند نیست. بختل خودم پسند ما نیست. دواپسما مقولوب ما پسند ما پسند ایریاس بیبا میسکیم! کیل نیروکم م حرج و زور باشه! آیا این ایریاس ایاس کی با جنگ و وحشی پسند ما پسندن! راجعیم؟ ما داره ما بی فضا؟ به خدا نه! از اون طرف دولت یازدهم به این حرب سخی داره ما بی خیرید دواپسما خیرای جدید در انتخابات آینده پسند ما و دواپسما مقولوب ما پسند ما و دواپسما پسند ما! به خدا! بعد از خیرید تعجبی - تبارکری - بی عدالتی و - بر مردم دولت گسترش و گرو سبب قدری آرمز شوم. والا بخدا! اعصاب نمیرزان

به این دلایل و هزاران دلیل دیگر ما دلباختان ناز و منتفی با این قرارداد ننگین که افراد باعاصلاح مدعی اصلاحات آنرا به اعضا رسانیده اند مخالفیم. ما معتقدیم که مردم خواستار اقبای اتونوف های دهه ۹۰ برای ناوگان هوایی هستند زیرا کسی کلا جرئت سوار شدن را ندارد و در ثانی میزان مصرف فاجعه نیز افزایش می یابد که باعث معنوی تر شدن آن خواهد شد. (دلباخته)



به به چه مدیری! گویا واقعا که این فرد نمونه است از مدیریتی شهری است یگرید که چه راه کار دارد، اگر کم از کم با فروختن، متشکل آلودگی را حل و فصل کرد و پان یا هشت معضل ترافیک ده ویزر باید وحتما متکبیم که اگر معضل ترافیک در شهر تهران وجود دارد رز سر این دولت به اصطلاح تدبیر و امید است. که با تمام قوا سی در آید و کوفت و این اغیار ساختن مدیریت جهادی سرهنگ عزیزمان دارد. اما وقت آن رسیده است که دولت اشتباهات را بدیدد؟ یکی دیگر از خدمات سرهنگ عزیزمان، آلوداری امل است به صورت آلوداری به مدیران و مسئولین به باعزت و مظلوم و به این نشانه ها کافی نیست؟ مگر به به اصل از هر جهت ... اندام.

صفحة ۴

**Any Comments?**

کارگردان معلوم الحال الف. ف. طی یک جشنواره آمریکایی - ماسونی توانست جایزه مهبوتستی اسکار را که نماد مهمانی گرامی در غرب است را بدست آورد. شایان به ذکر است که همین کارگردان در دولت سابق توانسته با نفوذ قدرت مند خود، به اسکار اهدایت شود.





WORLD WITHOUT WARS  
AND WITHOUT VIOLENCE  
جهان بدون جنگ ، درگیری ، خشونت و اسلحه  
AND WITHOUT WEAPONS

پرسش مهر ۱۷ : چگونه می‌توانیم جوامع ، منطقه و جهان را از خشونت برهانیم؟

محمد حسین اکرمی ابرقویی (رتبه اول کشوری پوستر پرسش مهر ریاست جمهوری)

مسابقه‌ی شماره‌ی چهارم نشریه صبح امید:

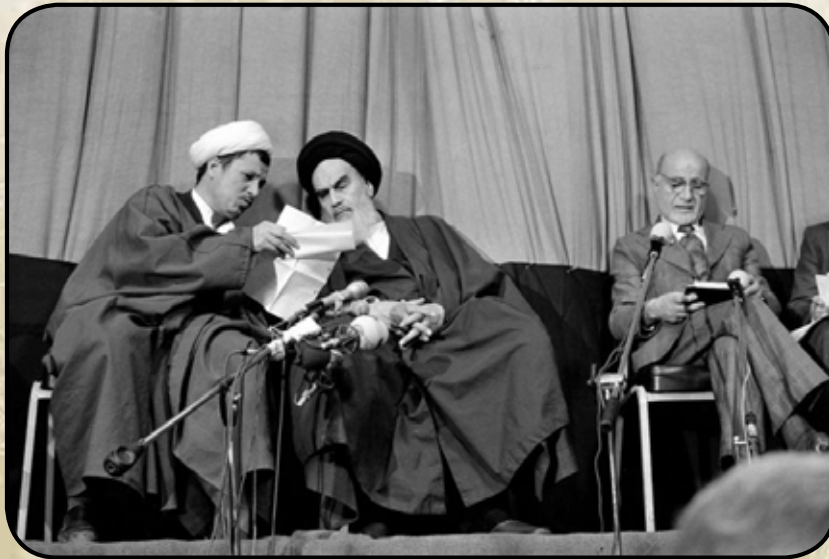
من رای می‌دهم چون.....

دانشجویان گرامی می‌توانند با تکمیل جمله‌ی مسابقه، پاسخ‌های خود را به همراه مشخصات کامل به ایمیل نشریه

[sobhomid95@gmail.com](mailto:sobhomid95@gmail.com)

ارسال کنند.

از بین متن‌های ارسالی، به ۵ متن برتر از طرف انجمن اسلامی دانشگاه فرهنگیان تقدیر به‌عمل آمده و هدیه‌ای به رسم یاد بود اهدا خواهد شد.



مرحوم مدرس که به امر رضاخان ترور شد، از بیمارستان پیام داد: «به رضا خان بگوئید من زنده هستم». مدرس حالا هم زنده است. مردان تاریخ تا آخر زنده هستند. بدخواهان باید بدانند هاشمی زنده است چون نهضت زنده است.  
**روح الله الموسوی الخمینی**

صحیفه امام: جلد ۷، صفحه ۴۹۵ و ۴۹۶

